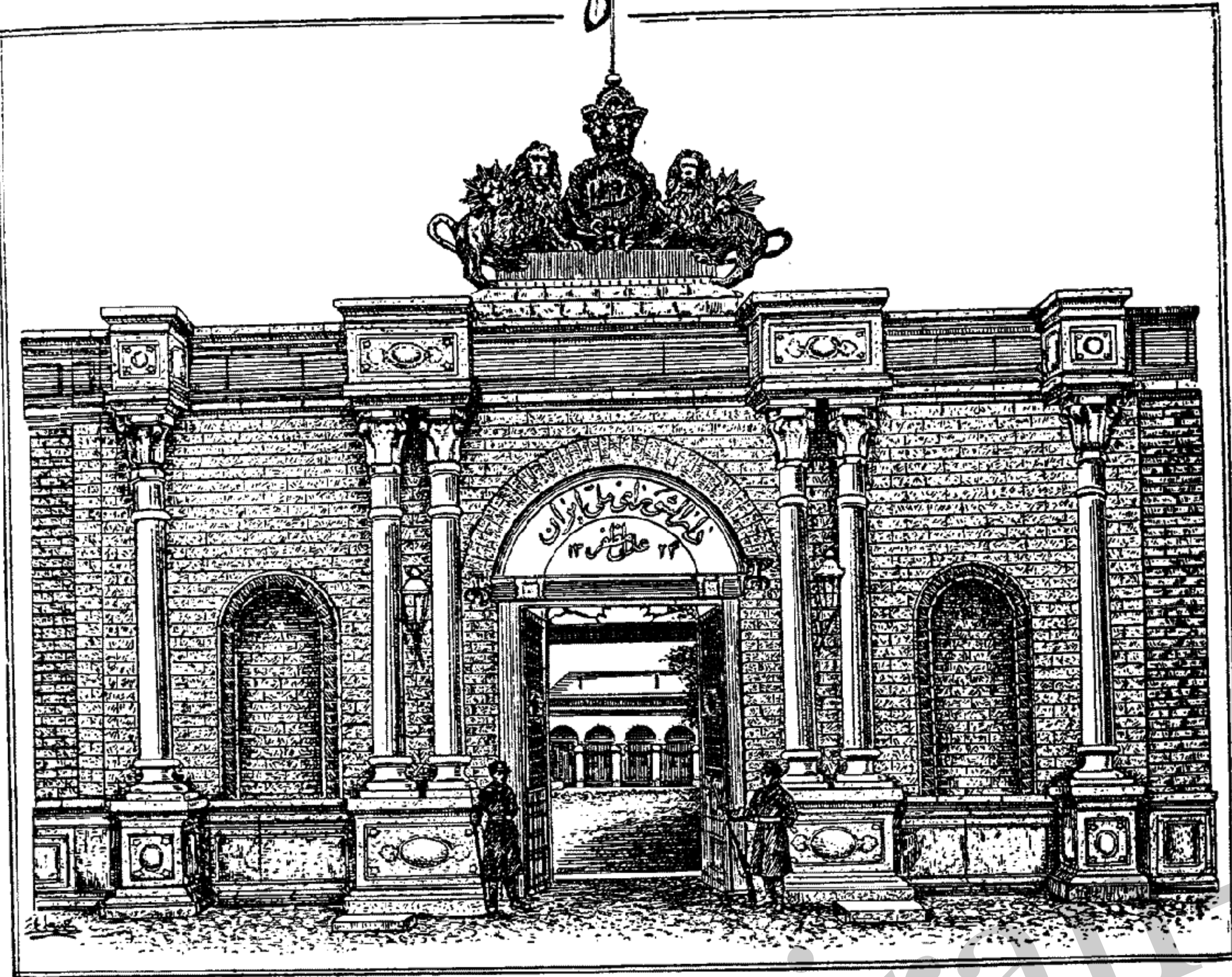


<p>جلسه ۸۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره پنجاه و سوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۳ شوال المکرم ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت خبر شعبه ششم راجع بانتهایات سیرجان و مخالفت آقای زوار	۱۰۱۸	۱۰۱۹
۲	مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به فروش خالصجات (ماده پنجم)	۱۰۲۰	۱۰۲۲
۳	سؤال آقای کازرونی از آقای وزیر مالیه راجع باجرای قانون ممیزی و جواب آقای وزیر	۱۰۲۲	۱۰۲۵
۴	سؤال آقای آقا سید یعقوب از آقای وزیر مالیه راجع به ترك عملیات ممیزی و نیمیضاتی که در این عمل میشود و جواب آقای وزیر	۱۰۳۵	۱۰۳۸
۵	سؤال آقای محمد ولی میرزا از آقای وزیر مالیه راجع به مطبوعات آذربایجان و جواب آقای وزیر	۱۰۳۸	۱۰۳۹
۶	سؤال آقای حاج آقا رضا رفیع از آقای وزیر مالیه راجع به وجود انحصار قند و چای	۱۰۳۸	۱۰۳۹
۷	سؤال آقای دشتی از آقای وزیر مالیه راجع به قاچاق در سواحل خلیج فارس و جواب آقای وزیر	۱۰۴۰	۱۰۴۲



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۶ فروردین، ماه ۱۳۰۶ - مطابق ۱۳ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۸۷

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس پنجشنبه بیست و چهارم فروردین
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه ۸۶
آقایان : میرزا حسینخان موقر - ضیاء - حشمتی -
محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی - عباس میرزا - نوبخت
حاج میرزا مرتضی - میرزا عبدالحسین .

غائبین بی اجازه

آقایان: علیخان اعظمی - محمد تقی خان اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - درآمدگان با اجازه

آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - خطابی - نظامی - طباطبائی وکیل - محمود رضا - الفهمی - حاج آقا حسین درآمدگان بی اجازه

آقایان: مرتضی قلیخان بیات - دشتی - یاسائی - نجومی - میرزا ابراهیم خان قوام - دکتر مصدق.

رئیس -- نسبت بصورت مجلس ابرادی هست یا نه؟ بعضی از نمایندگان - دستور.

رئیس -- خبر شعبه ششم راجع به انتخابات سیرجان مطرح است. آقای شیروانی.

(آقای شیروانی در محل اطاق حاضر و خبر مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ششم دوسیه انتخابات سیرجان را در جلسات عدیده تحت شور و مذاقه قرار داده و اینک خلاصه جریان انتخابات محل مزبور و نتیجه تحقیقت و عملیات شعبه را ذیلأ بعرض میرساند: در غره رمضان ۱۳۰۴ بر حسب دعوتیکه در ۱۶ شعبان مطابق اسفند ماه ۱۳۰۴ از طرف آقای شجاع السلطان حکمران بعمل آمده انجمن نظارت سیرجان تشکیل و تأسیس و چهارم اردی بهشت ۱۳۰۵ که بر حسب امر مرکز انتخابات کلیه ایالت کرمان توقیف میشود انجمن مزبور دچار استعفاء اعضاء و تعیین اعضاء علی البدل و مذاکره در تعیین معامین و غیره بوده است در ۸ مهرماه حکومت سیرجان بر حسب امر تلگرافی ابالت جدید تحت نمرة ۲۶۳۳ انجمن مزبور را به عنوان اینکه در حکومت نظامی انتخاب شده منحل و انجمن جدید را انتخاب مینماید در ۱۹ مهرماه اعلان انتخابات منتشر و روز اول آبان را برای اخذ تعرفه و دادن رأی تعیین مینماید و تا ۱۹

آذر انجمن مرکزی و سایر انجمن های فرعی مشغول دادن تعرفه و اخذ وقرائت آراء بوده که متدرجاً هر يك از حوزه های فرعی به نسبت قرب و بعد خود نتیجه جریان انتخابات را بانجمن مرکزی رسانیده اند بموجب مندرجات صورت مجلس انجمن مرکزی سیرجان

در ۲۱ آبان انجمن فرعی اقطاع و افشار در جواب تلگراف نمرة ۱۳۹ بانجمن سیرجان خامه انتخابات يك قسمتی از حوزه مزبور را راپورت میدهد ولی صورت مجلس و نتیجه جریان انتخابات اقطاع و افشار بواسطه بعد مسافت و فقدان وسائل بست و حمل و نقل قدری دیرتر بانجمن مرکزی واصل میشود لیکن بموجب مراسله نمرة ۱۰ که انجمن مرکزی خود وصول آنرا تصدیق کرده انتخابات اقطاع و افشار در جریان بوده و خامه یافته است.

انجمن مرکزی سیرجان بانکاء مواد ۳۶ و ۳۷ قانون انتخابات در روز ۲۳ آذر اعلان ختم انتخابات را منتشر و قبل از وصول صورت مجلس و نتیجه انتخابات چندین حوزه فرعی اقطاع و افشار و قبل از تعیین دوهفته برای وصول شکایات و حتی قبل از اینکه اعتراضات اهالی در ایام مقرر قانونی برسد نمایندگی آقای بدر را توسط وزارت داخله بایشان اطلاع میدهد وزارت داخله پس از آن که مستحضر میشود که انجمن مرکزی سیرجان قبل از خامه ایام قانونی و قبل از وصول نتیجه انتخابات اقطاع و افشار مبادرت باین اقدام نموده از یکطرف با آقای بدر اخطار میکنند که دعوت وزارتخانه کان لم یکن میباشد و از طرفی بانجمن سیرجان تلگراف مینماید که مجدداً انجمن را تا خامه مدت قانونی تشکیل و انتخابات را بپایان برساند. انجمن مرکزی سیرجان مجدداً برای وصول نتیجه انتخابات اقطاع و افشار و شکایات اهالی تشکیل و تا روز ۶ دی بجلسات خود ادامه داده و بانیکه نتیجه انتخابات اقطاع و افشار و صورت مجلس آن جا واصل شده بانکاء مواد فوق الذکر آراء محل مزبور را ابطال مینماید.

شعبه ششم در ضمن رسیدگی دونکته برجسته در دوسیه

سیرجان مشاهده نمود.

اول - توسل انجمن بمواد ۳۶-۳۷ قانون انتخابات برای ابطال آراء اقطاع و افشار.

دوم - اعتراض والی بانیکه پنج هزار و کسری تعرفه در اقطاع و افشار وجود نداشته در قسمت اول شعبه ایزاد انجمن را بکلی غیر وارد میدانند زیرا ماده ۳۷ تصریح دارد که اگر انتخابات بعمل نیاید و اهالی شرکت نکنند محروم خواهند ماند در صورتیکه بتصدیق انجمن مرکزی اهالی شرکت نموده و انتخابات هم در موعد مقرر قانونی بعمل آمده است - یعنی در ایام مقرر قانونی شروع و خامه یافته

ماده ۳۶ هم میگوید اگر انجمن فرعی نتیجه انتخابات را نفرستد انجمن مرکزی بان انتخابات خامه میدهد در صورتیکه انجمن فرعی نتیجه را ارسال داشته و بواسطه بعد مسافت قدری دیرتر رسیده است

در قسمت ثانی بانیکه دوسیه کاملاً دلالت دارد که پنج هزار و بانصد تعرفه در اقطاع و افشار وجود داشته و توزیع شده مع هذا شعبه بانقافی آراء تصمیم گرفت که این موضوع را از آقای افجه که برای نفتیش جریانات فوق بکرمان اعزام شده اند تحقیق نمایند و تصدیق ایشان مأخذ رأی شعبه واقع شود. بنا بر این رئیس اداره انتخابات بشعبه اخطار و پس از تحقیقات و تبادل نظر با ایشان بوسیله وزارت داخله تلگرافاً از آقای افجه سؤال و معظم له بموجب دو فقره راپورت مفصل تلگرافی تصدیق مینماید که پنج هزار و بانصد تعرفه در اقطاع و افشار وجود داشته و تعرفه های مزبور در مقابل اخذ آراء ابطال و برای دهندگان داده شده است.

شعبه در آخرین جلسه که مرکب از هشت نفر از جمله ۱۳ نفر اعضاء حاضر در مرکز تشکیل یافت مجدداً جریانات فوق را تحت مذاقه قرار داده و نظر بانیکه آقای میرزا سید مصطفی خان کاظمی از کلیه آراء منتشره در حوزه انتخابیه سیرجان دارای ۶۳۳۲ رأی بوده و در

درجه اول حائز اکثریت میباشد وکیل حقیقی سیرجان دانسته و نمایندگی معزی الیه را با اکثریت ۷ رأی در مقابل يك رأی تصویب مینماید. زوار - بنده مخالفم.

رئیس -- میباید برای جلسه دیگر دستور امروز اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع به مطالبات شنیدر کروزو بعد بزهم خبر کمیسیون بودجه راجع به عباس خان کردستانی لکن پیشنهاد شده است لایحه راجع به خلاصجات مطرح شود.

آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در تغییر دستور مخالفم رئیس -- بفرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده نظر مخالفم این است که ما يك کارهائی که در جریان داریم خوب است آقایان موافقت کنند که این کارها خامه پیدا کند. لایحه راجع به شنیدر کروزو جزو دستور بود و بنده برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم هر قدر بماند بیشتر میشود. در دوره پنجم بنده و شاهزاده سلیمان میرزا و معظمی راجع بان لایحه هی فشار آوردیم آخر صد و پنجاه هزار تومان بر آن اضافه شد. بنده حقیقت و واقعش این است يك آدمی هستم که همیشه مخالفم ولی عقب افتادن این برای مملکت ضرر دارد. بنا بر این عقیده ام این است که این را بتأخیر نیندازند. این شخص تبعه دوات فرانسه است. از طلبش که نمیگذرد. همه آقایان حالت بنده را میدانند. مقصودم این است که باز يك باری بر ما تحمیل نشود. این بود که ما جدیت کردیم که مطرح قرار بدهند. بعد پیشنهاد شد که برگردد به کمیسیون و آقای مدرس فرمودند که میخواهیم بیائیم در کمیسیون و درست تحقیق کنیم که بدانند مجلس متوجه است و میخواهد به این کار خامه بدهد ولی نیامدند. حالا هم بماند باز نخواهند آمد. این بود که عرض کردم دستور را تغییر ندهند.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم این عقیده و ایمان که برای آقای آقا سید یعقوب پیدا شده بطوریکه میفرمایند در نتیجه مطالعه در دوسیه است و دانستن اینکه در واقع يك طلبی است و باید تدبیر شود و پیشنهاد آقای مدرس هم که قبول شد روی این منطبق بود که دیگران هم در این قضیه مطالعه نکنند. واقعاً اگر يك طلبی هست تصدیق نکنند و اگر نیست رد کنند این پیشنهاد هم روز پنجشنبه شد که متاخر به روز جمعه بود و هیچکدام از ماها مجال تحقیق و مطالعه نداشتیم و همه مان همان حالت را داریم که روز پنجشنبه در مقابل این قضیه بودیم. این بود که بنده پیشنهاد کردم که لایحه خالصجات مقدم باشد تا ما هم در اطراف لایحه شنیدر کروزو تحقیقاتی بکنیم که اگر واقعاً قضیه حقیقی است ما هم به آقای آقا سید یعقوب ملحق شویم و اگر نیست در يك قضیه ندانسته که بر ما مجهول است وارد نشویم.

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دادگر

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. در موقعیکه در لایحه خالصجات

شور میشود باید کمیسیونها را هم انتخاب بفرمائید.

شیروانی -- اجازه میفرمائید.

رئیس -- بفرمائید.

شیروانی -- چون قبل از جلسه مذاکراتی شده است که يك طوری بشود که انتخاب کمیسیونها تکرار نشود و يك مرتبه همه باتوافق نظر انتخاب شوند این است که اگر اجازه بفرمائید بعد از تنفس انتخاب بشود بهتر است.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفته شدخیر)

رئیس -- می ماند برای بعد از تنفس. خبر کمیسیون

- 4 -

و امشب يك تجدید مطالعه بشود و از روی بصیرت مطرح شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم گرچه نظامنامه اجازه داد است و در هر دقیقه مجلس میتواند دستورش را تغییر بدهد ولیکن این پیشنهاد ایشان با پیشنهاد بنده خیلی بهم نزدیک است بعلاوه این لایحه هم دوشوری است در شور اول مطالعاتی که آقا در نظر دارند میشود و به نظریات مجلس بر میگردد به کمیسیون و برای شور دوم تمام نظریات در آن ملحوظ میشود و لزومی ندارد از دستور خارج شود زیرا متضمن پیشنهاد خود آقا هم هست.

فیروز آبادی -- چنانچه در شوری است بنده پس میگیرم.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- همینطور که آقا فرمودند مطالعه مان در این لایحه قدیمی است و حالا نظرمان نیست ولی يك فقره از مطالعاتمان بنده خاطر من هست و حالا به عرض آقایان میرسانم. جهة مخالفت من این است که آن فقره هفتم

رئیس -- راجع به اصل ماده است؟

مدرس -- بلی.

رئیس -- بنده خیال کردم راجع به پیشنهاد آقای فیروز آبادی است.

شیروانی -- ایشان پیشنهادشان را پس گرفتند.

رئیس -- (خطاب به آقای مدرس) پس بفرمائید

مدرس -- عرض میشود که يك فقره هفتمی اینجا دارد و يك فقره پنجمی. فقره پنجم مینویسد: املاك خالصه و اراضي متصل به سرحدات با سواحل یا بنادر. این را تصدیق میفرمائید که دائره خیلی وسیعی دارد. شاید يك قسمت عمده از اراضی که فروختنش صلاح است و اسباب تعمیر است در همین حدودی است که اسم برده اند و حال آنکه نمیشود گفت تمام اراضی که

در سرحدات واقع است همه محل احتیاج دولت است. صد فرسخ پنجاه فرسخ راه خصوصی اطراف درهها اینها بیکار افتاده است نمیتوان گفت که همدا اینها محل احتیاج دولت است یا دولت همیشه آنجاها سرهز خانه میخواهد بسازد برای حفظ سرحدات و بنده عقیده ام این است که اگر به فقره هفتم قناعت شود مقصودی که از فقره پنجم هست بعمل بیاید. فقره هفتم چیست؟ این است که کلیه املاك خالصه که ممکن است مستقیماً برای انجام مقاصد دولتی مورد احتیاج واقع شود -- اگر بین فقره هفتم قناعت شود کافی است منتهی نوشته شود چه در سرحدات چه در بنادر و چه در جاهای دیگر که ممکن است محل احتیاج دولت واقع شود. البته در سرحدات هم بعضی اراضی هست که ممکن است محل احتیاج دولت واقع شود و بعضی اراضی هم هست که هرگز ممکن نیست محل احتیاج باشد.

کازرونی -- صحیح است.

مدرس -- آقای کازرونی که میفرمایند صحیح است در اطراف بوشهر اراضی هست که غالباً افتاده و قابل است که جنگل بشود و قابل است که خیلی منافع عمده ازش برده شود بنده قریب هفت هشت فرسخ دیده ام ولی ممکن است چهل پنجاه فرسخ باشد. و این عبارت که اینجا نوشته شده نمیگذارد آنجاها را بفروشند و حال آنکه محل احتیاج هم نیست و اگر اکتفا شود به فقره هفتم البته آنهایی که متخصص و اهل بصیرتند بجهة نظامی و غیر نظامی ملتفت هستند که کجا ممکن است محل احتیاج باشد آنوقت آنجاها را استثناء میکنند و مابقی را میفروشند تا آباد شده و محل استفاده عمومی واقع شود. در این باب پیشنهادی هم کرده ام.

شیروانی (خبر کمیسیون بودجه) -- نظر حضرت آقای مدرس در يك قسمت یعنی در قسمت (ز) رعایت شده یعنی اراضی را که ممکن است طرف احتیاج دولت واقع شود

- 5 -

اما قضیه بکطرف دیگر هم دارد که شاید آقای مدرس حالا بی سابقه بودند و آن این است که اراضی سرحدی و ساحلی همیشه باید حتی الامکان دست دولت باشد حتی آمهائی هم که خالصه نیست دولت باید در آنها نظر داشته باشد. صحیح است که فرمودند اراضی را که دولت بدردش میخورد بگیرد و سربازخانه بسازد ولی ممکن است آن اراضی که فعلاً هم در دست دولت است بدست يك اشخاصی بیفتد و يك روزی برای ساختن يك سربازخانه خطرناکی بکار برود. این نکته همیشه باید رعایت شود که سرحدات و سواحل کاملاً باید در تحت دقت و مراقبت دولت واقع شود. همینطور که میبینید همسایگان ما یا سایر جاهای دنیا چه نظرهای مخصوصی نسبت به سرحدات خود شان دادند. بنا بر این کمیسیون بودجه با این نظر دولت با اینکه در اینجا هم خیلی از این مذاکرات شد مجبور شد موافقت کند زیرا اراضی سرحدات و اراضی ساحلی که فعلاً خالصه است کاملاً باید در تحت نظر دولت باشد و ماده هم تقریباً يك قدری کش دار نوشته شده که بعضی جاها را که دولت صلاح بداند بتواند بفروشد بعضی از آقایان در کمیسیون بودجه میزان معین کردند دو فرسخ، سه فرسخ پنج فرسخ ولی بالاخره نماینده دولت عقیده اش این بود که تعیین فرسخ نشود زیرا بعضی جاها ممکن است نیم فرسخی را نشود فروخت و بعضی جاها چهل فرسخی را هم نشود فروخت.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - متأسفانه زمانی که این لایحه مطرح بود بنده در مجلس نبودم والان هم لایحه اش را ندارم بنابراین هیچگونه سابقه ندارم و از آنطرف هم بنده مخالفم که مسئله که در جلسه پیش معین نشده جزء دستور شود و

ما بدون مطالعه در اطراف این لایحه صحبت نداریم. خصوصاً این لایحه خیلی مهم که يك انقلابی ایجاد میشود در اثر تصویب بارش بدون مطالعه و مباحثه نمیشود ما اظهار عقیده نکنیم. این را مقدمه عرض کردم. عرض کنم يك اظهاراتی آقای مدرس راجع به اراضی سرحدی فرمودند آقای مخبر هم جوابهائی دادند بنده گمان میکنم مقصود دولت برطبق فرمایشات آقای مخبر بهر تقدیر حاصل نمیشود برای اینکه سرحدات مملکت مال مردم است اراضی غالباً در هزاری نهصد و نود و نه مال مردم است و شاید یکی از هزارش مال دولت باشد. اگر ایشان برای جلوگیری از اینکه در آتیه این اراضی برخلاف صلاح مملکت در معرض عمل واقع نشود این ماده را ترتیب کرده اند؟ خوب لازم نیست این نقطه مخصوص باشد. نهصد و نود و نه قسمت دیگرش خواهد شد. در هر صورت این چه عقیده ایست بنده درست نفهمیدم! یعنی در سرحدات مملکت مردم ملك نداشته باشند؟ اتباع ایران آنجا ننشینند و بالاخره آنجاها آباد نشود؟ همان طوری که آقای مدرس فرمودند در سواحل و مخصوصاً سواحل خلیج يك اراضی هست که اگر چنانچه مجانی ب مردم داده شود شاید در معرض استفاده بیرون بیاید و اگر در دست دولت باشد بحال خرابی مثل اینکه الان هست باقی خواهد ماند. در هر صورت بنده هیچ گونه اشکال نمی بینم که این قسمت را از قانون خارج کنند و هیچ ضرری در این موضوع متوجه دولت ولو باحتمال هم باشد نخواهد شد. زیرا علاوه بر اینکه در ماده دیگر هم تصریح شده است اگر دولت محتاج باشد خواهد گرفت و هیچ لازم نیست ذکر شود، زیرا نه در این مورد بخصوص نه در موارد دیگر هر وقت دولت لازم داشته باشد نه تنها از اراضی بایستی استفاده کند در موقع لزوم دولت میتواند از جمیع چیزهای مملکت برای يك امری که منافع و مضارش راجع بعموم اهالی مملکت است استفاده بکند و این يك چیزی است که

معمول به تمام دنیا است. دیگر تصریح معنی ندارد. بعلاوه اگر بخواهند این قسمت را در نظر بگیرند وسعت مملکت را هم همانطور در نظر بگیرند، ملاحظه فرمایند که سیصد و پنجاه فرسخ عرض و سیصد فرسخ طول اقلأ دارد. اصل ذکرش را عم و واقعا بنده موهم میدانم. این چه تذکری است؟! يك قسمت دیگر راجع به مجاری آبها است. بنده میدانم مقصود از مجاری آبها تعیین آن مجاری که ملك دولت است. و آن مجاری که ملك مردم است؛ و اصلاً ذکرش مورد ندارد. مال مردم داخل نیست و شما اینجا خرج کنید. بنا بر این ذکرش مورد ندارد و بی جهت است. پس اگر این طور است چیزهای دیگر را هم در نظر بگیرید. یکی دیگر اراضی جنگلیها. آن اراضی که ملك دولت و خالصه دولت نیست بنده فلسفه نمی بینم برای اینکه در جزء خالصجات دولت واردش کنیم و بعد خرجش کنیم مخبر - همانطور که نماینده محترم خودشان فرمودند معلوم میشود لایحه را سابقه نداشته اند و مطالعه نکرده اند این بود که ایرادشان بکفتری از روی عدم مطالعه بود. اولاً اینکه فرمودند دستور را تغییر میدهم، صحیح نیست، دستوری تغییر داده نشده است. این لایحه مدتها است در دستور است.

کازرونی - کی گفتم دستور را تغییر میدهم؟!

مخبر - اجازه فرمائید. چندین ماده اش هم مذاکره شده و چند ماده اش هم مانده و پیش آمدن سایر مسائل این دستور را تغییر داده و عدم مطالعه ایشان هم دلیل بر این میشود که سایرین مطالعه نکرده باشند بعلاوه این لایحه دوشوری است و همانطوری که گفته شد شما در شور اول مذاکرات خودتان را میفرمائید نظریات خودتان را هم بطور پیشنهاد میفرمائید در کمیسیون هم مورد شور واقع میشود و اصلاح میشود. در هر صورت این لایحه برای تأسیس بانک است که خود حضرتعالی بیشتر از همه کس علاقه مند به آن هستید و بانک سرمایه لازم دارد و سرمایه اش هم همین است. و این فکری است که همه اش هم از دولت نبوده آقای

مدرس و سایر آقایان نمایندگان از اوخر دوره پنجم تا بحال این فکر را کرده اند و میخواهیم زودتر عملی بشود بلکه با حضور خود مجلس ششم بانک تأسیس شود، سرمایه آن هم سال بسال از این محل داده شود و آن نظریات مهم اقتصادی که جنابعالی درید زودتر بتوانیم انجام بدهیم. پس از نقطه نظر اهمیت بعقیده بنده اگر سه یا چهار لایحه مهم در مجلس باشد درجه اولش لایحه خالصجات است زیرا باید سرمایه تهیه کرد برای تأسیس بانک. اما راجع به سرحدات که فرمودند عرض میکنم وقتی که ما مسائل را بطور کلی فکر کنیم ممکن است همینطور که فرمودند باشد ولی وقتی که داخل در جزئیات شدیم تصدیق خواهند فرمود که اراضی خالصه متعلقه بدولت که در سرحدات مملکت واقع شود فروشش يك چیز خیلی ساده نیست. مثلاً میانکاله یکی از نقاط مهمه مازندران است که آنجا يك جنگل خیلی بزرگ و يك شبه جزیره بزرگ و يك موقعیت سیاسی و نظامی و اقتصادی خیلی مهمی دارد اینجارا اگر دولت بتواند اداره کند و در دست بگیرد اصلاح خواهد بود تا اینکه بدست یکسفر زارع و تاجر محلی بیفتد که يك روزی نتواند در مقابل يك پیش آمدهائی حفظ کند یا عملاً خالصجات سیستم، فکر فرمائید اینها فروختن تمامش مخصوصاً آن قسمتهای سرحدی بکفتری که خود نان فکر فرمائید تصدیق خواهید فرمود که صلاح نیست. بعلاوه اینجا ما دولت را مکلف نکردیم که بفروشد، ما در این لایحه که به مجلس میآید دولت را مکلف کردیم که خالصجات را بفروشد بعد يك استثنائی قائل شدیم من جمله فقره پنجم است که گفتیم دولت مکلف نیست این را بفروشد، اگر هم لازم دانست بفروشد بالاخره با تصدیق مجلس و تصدیق يك مراکز صلاحیت داری دولت را مکلف کردیم که در ظرف فلان مدت خالصجات را حتماً بفروشد. و برای خالصجات بایستی بکفتری بیشتر فکر و مطالعه کرد. و اینکه فرمودید نود و نه قسمت از سرحدات مال مردم است

و يك قسمت مال دولت اينطور نيست ...
 كارروئی - نهصد و نود و نه قسمت عرض كردم
 مخبر - ديگر بهتر ، خير اينطور نيست برای اينكه
 شما از حدود شهر ها كه خارج شديد تمام سواحل
 متعلق بدولت است و متعلق باشخاص نيست . ملك در
 صورتی متعلق باشخاص است كه در تصرفشان باشد وقتي
 كه در تصرف آنها نبوده در تصرف دولت و متعلق
 باوست از قبيل جنگلها و سواحل و غيره اين يك اصلي
 است كه بايد ديگر در ملكيت قائل شويد . آن املاك
 و اراضي و جنگل ها با هر چيزی كه در تصرف
 مردم است متعلق بمردم است و آن ها كه در
 تصرف مردم نيست متعلق به ملت است كه زويه مرافقه
 نماينده اش دولت است . اما آن مجاری مياهي كه فرموديد مال
 مردم است با مال دولت ؟ مال دولت است . مجاری
 مياهي كه خالصه است و در شهرها است آنها را گفتيم
 دولت برای كارهاي بلدي و كارهاي عمومي استثناء كند
 و بفروشد و الا مجاری مياهي كه مال مردم است در
 اينجا چرا اسمش را بياوريم .

اعضی از نمايندگان - مذاکرات كافي است .

(جمعی ديگر گفتند كافي نيست)

رئيس - آقای آقاسيد يعقوب

آقاسيد يعقوب - بنده در مخالفت با كفايت مذاکرات
 عرض كنم يا در اصل ماده ؟

رئيس - در اصل ماده .

آقا سيد يعقوب - بنده با اينكه عضو كميسيون بودجه
 هستم در اين مواد فروش خالصجات خيلي بزحمت صحبت
 ميكنم . لکن خواستم نظر آقای شيروانی و اعضاء كميسيون
 را در مجلس جلب كنم كه با اين عقابدي كه در ماده
 دارم در كميسيون با بنده موافقت كنند . تمام مخالفت بنده با
 اين ماده برای اين است كه عرايض خودم را در مجلس
 عرض كنم و قضاوت اكثريت مجلس را متوجه بخود بكنم
 شايد در كميسيون بودجه با بنده موافقت بكنند . در

اينجا يك كلمان را در اين ماده آورده است كه اين
 كلمان بقدری صدمه برای مردم و ملكيت توليد ميكند
 كه فوق آن تصور نميشود . نوشته (جنگل) ما هنوز
 قانون جنگل در مجلس نگذرانده ايم . هر كجا درخت
 است دولت ميگريد مال من است . كيلان و مازندران
 را شما ملاحظه كنيد مردم در جنگل ها منزل دارند
 جرئت اينكه از دست مأمورين ...

يك نفر از نمايندگان - از شما ...

آقاسيد يعقوب - يعني از امر مأمورين وزارت فوائد
 عامه برای نهيء خانه هاشان درخت ببرند . حقيقتش اگر
 کسی در كميسيون عرايض باشد ميداند اين صحبتهائي كه در
 اينجا ميشود تا آروز است كه در مجلس پنجم يك سؤالی نسبت
 بخالصه و جنگل شد فوراً رفتند در وزارت فوائد عامه يك
 تصويبنامه صادر كردند كه تمام درختها مال دولت است
 تمام اين طالش ها اين بيچاره ها در طرف شمال و همين
 جور جنوب مأمورين فوائد عامه بقدری با بنها فشار
 آورده اند كه بيچاره ها گرفتارند . يك كلمه جنگل در
 اينجا آورده شد تمام زندگانی جنگليهاي بيچاره را از
 دستشان گرفته اند و مختل کرده اند . بنده عقیده نداشتم
 در اينجا عبارتی نوشته شود كه مأمورين دولت
 از اين عبارت سوء استفاده كنند . بنده نميگويم كه
 جنگلها مال دولت نيست ولي محدود و معين كنند كه
 كجای جنگلها است و چه ترتيب كه سوء استفاده نكنند
 حتی درختهايی كه در جنگل درخانه روئيده است دولت
 ميگويد مال من است ...

عمادی - جنگل هم مال دولت نيست

آقا سيد يعقوب - حالا عرض ميكنم . قانونی هنوز
 نوشته نشده . نوشتن اين كره در اينجا اسباب سوء استفاده
 برای مأمورين ماليه است . حالا مجلس با بنده موافقت
 بكنند آن تصويبنامه كه در دوره پنجم نسبت به جنگلها
 نوشته شده كه مردم را آن فشار فوق العاده دچار كرد

كه بنا بر خواهش آقای حاج آقا رضا كه از آقای داور
 خواهش كردند سه ماه مهلت دادند بعد هم پيش آقای
 مخبر السلطنه التماس كردند سه ماه ديگر مهلت دادند كه
 لا اقل مردم خانه های خودشان را ببوشانند اينرا لا اقل
 زوري بكنند كه اين اندازه فشار به مردم وارد نياورند .
 يك تصويبنامه كه صادر شده است كه جنگلها مال دولت است
 برخلاف همه چيز خواستم آقای شيروانی و اعضاء كميسيون
 بمن موافقت كنند اين كه را بنده از شما كه سوء استفاده
 نشود مگر بعد از آن كه يك ترتيبی و يك ممیزی
 نسبت بجنگلها داده شود كه دولت تعدادی بخوف آنها
 نكنند . اين يك مسئله . مسئله ديگر راجع است به
 رودخانه های عمومي و درياچه ها و سائر مجاري و منابع
 طبيعي آب . بنده باز عرض مستحضر خاطر آقایان
 عرض ميكنم يك سنيد رودی هست در كيلان كه مال
 دولت است هر رودخانه كه اهالی كيلان بيچاره ها
 احداث کرده اند برای فاضل آب اين شانی کاری (معلوم است
 همه مستحضرند كه زیر مزرعه يك نهري ميكنند برای
 فاضل آب كه در آنجا جمع ميشود) دولت باز هم دست
 انداخته كه اينها مال من است ! آخر بچه ترتيب ؟
 حالا هم شما بداشتيد نوشتيد رودخانه های عمومي و درياچه
 ها ولي نخريد نکرده ايد ، معين نکرده ايد رودخانه های
 عمومي و درياچه ها به چه صورت ؟ محدود بچه حد است ؟
 اينها كلمان است كه بنده خودم گرفتارم و همچنين آقای
 محمود رضا الان در اين باب گرفتار است . از كيلان
 شكایت ميكنند كه مأمورين دولت بعنوان شيلات نم
 رودخانه های فاضل آب را دست انداخته اند . و اين
 عبارت هم كه اينجا نوشته شود دولت سوء استفاده ميكنند ،
 ميگويد در اينجا نوشته شده رودخانه ها ، پس رودخانه ها
 در هر جا باشد مال دولت است . اين هم خوب است در
 اينجا معين شود كه كدام يك از رودخانه ها مال مردم
 است و كدام يك مال دولت است اولاً اينكه
 بر سبيل اطلاق نوشته شده اسباب زحمت و صدمه

مردم است . آقايان نگاه كنيد مالك شرقي چطور
 متوجه بين هستند كه برعكس و ده قين ملك و
 همراهی بكنند . ما بلكی اسباب زندگانی ده قين وزارت عين
 را مختل کرده ايم ! ما بايد متوجه باشيم كه يك قوانينی برای
 راحتی و آسودگی اينها وضع كنيم . همه اش هي زنجير زنجير
 دور دست و پي ملت ميبنديم . همين كلمان كس در
 كه مصدقش غير معين است . بنده نميگويم مأمورين
 ماليه اشخاص بلدي هستند ولي چون اين كلمان غير معين
 است مأمورين ماليه از اين كلمان مبهم سوء استفاده
 ميكنند فقط طهران و اطراف طهران را نگاه ميكنيم
 كه کسی ذبح نميكنند . اما نميدانيم اين كلمان نسبت برعكس
 چه اسباب فشاری است . اينهم يك كلمه . كه ديگر
 دارد حقوق دولت در رودخانه های عمومي درياچه ها
 و سائر مخازن و منابع طبيعي آب . بيني و بين كه اين
 را باز عرض ميكنم درست است كه مجلس مقننه بايد
 وضع قانون بكنند اما مصداق خارجيش با او نيست . با دولت
 است . دولتی كه بايد سائر مخازن و منابع طبيعي آب
 را بزيش يك مصداق خارجي قائل بشود كه اسباب
 زحمت مردم نباشد كدام است ؟ اين كلمان مطلق مبهم يك
 آتشی است بجان مردم بدبخت . ما بايد در وضع قوانين
 اين كلمان را بنويسيم و بپردازيم بيك كلمان واضح الدلاله
 و صريح كه اگر از وزير سؤال ميكنيم متوسل بان
 كلمان بجزل شود و نگويد كه من از اين كلمان اينطور
 فهميده . بنده نميدانم اين سائر مخازن و منابع طبيعي
 آب چيست ؟ قنوات است ؟ مثلاً منبع آب كوه البرز
 است ؟ بنده يك قنات از اين كوه البرز درست كردم .
 بيانيد بگويند اين كوه مال دولت است قنات را هم
 بگيرند . برای اينكه ميگويند شما نوشته ايد سائر مخازن
 و منابع طبيعي آب و پس فردا از اين كلمان مبهم سوء استفاده
 ميكنند . اين است كه بنده خواستم نظريات خودم را
 كه در كميسيون هم عرض کرده ام در اينجا هم تذكر
 بدهم كه اعضاء محترم كميسيون بودجه توجهی بعرايض

مردم شریک است، در صورتیکه دادن مالیات هیچوقت دولت را در ملک مردم شریک نمیکند...

مخبر - این مسلم است.

آقا سید یعقوب - این مسلم است؟ ! بمرگ عزیزت قسم است با این مسامحات خودت قزوين و گیلان را رفتی و دیدی که مأمورین دولت يك كاهي را کوهی می کنند ما باید بقدری اینجا عبارت را صریح و واضح بنویسیم که هیچ جا تولید اشکالی نشود - حقوق دولت در سایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدیها بوده - بنده هیچ نمیدانم معنای این عبارت چیست؟! کدام آب است که محتاج الیه بلدیها نیست؟ دیگر آبی باقی نمیمانند من نمیدانم تمام آنها که محتاج الیه بلدیها است دیگر آبی برای مالکین باقی نمیمانند! هیچ صاحب ملکی دارای آبی نمیشود. مالک مالکیت که نمیتوانیم بکنیم، در دنیا هم نخواهد شد. این عبارتها بکسی کار را مشوش نمیکند. و این یکی از عبارتهایی است که خیلی مبهم است و بواسطه ابهامی که دارد مورد سوء استفاده واقع میشود....

مخبر - بس است.

آقا سید یعقوب - در کمیسیون که گوش بفرمایم نمیدهد اینجا ناچارم عرض کنم. و همینطور عبارت بتوسط بلدیها مورد استعمال واقع میشوند. خودتان تصدیق میفرمائید. اولاً مستثنی باید داخل در مستثنی منه باشد بعد به قید خارجش کنند. اگر يك چیزی از اول داخل نبوده محتاج نیستیم. چرا بگوئیم داخل است که بعد خارجش کنیم. آبهای قنوات مردم اصلاً مال دولت نبوده است. دولت میرود اجاره میکند یا به ترتیبی که مطابق قانون مملکتی است از آنها استفاده میکند. این داخل در مستثنی منه نبوده، داخل در ملک خالصه و ملک دولت نبوده که ما حالا خارج کنیم. اصلاً گمان نمیکم این عبارت صحیح باشد. برای اینکه داخل در این نیست که بیائیم بموجب ماده

بنده نکنند که این کلمات را بر داریم و يك کلمات صریحی که دولت تواند ارزش سوء استفاده کند و حدود دولت را معین بکند بجایش بگذاریم و الا بنده با این کلمات مطاق مخالفم. مثلاً معین کنند که این چند رود خانه مال دولت است و الا رودخانه زیاد است و همچنین راجع بسایر محازن و منابع طبیعی آب اینها را هم معین بکنند. بنده این عبارت را نمی فهمم. بنده نماینده این ملت هستم خودم جاهل آنها هم جاهل، اما بنده يك چیزی را بفهمم که دولت نتواند سوء استفاده بکند؟ این راجع به جزء اول ماده پنج

جزء دوم: حقوق دولت در قنوات بسایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدیها بوده و بتوسط آنها مورد استعمال واقع میشوند. حالا بنده با اینکه بینی و بین الله بك حسن ظنی به بلدیة طهران و رئیس بلدیة دارم که يك حسن خدمتی دارد خیابان درست میکند، کار میکند، حقیقة يك تكالی داده است و من از عملیات او ممنونم ولی من نمیتوانم همیشه ذین عبارت قانع بشوم و این قانون از مجلس بگذرد برای اینکه مأمورین دولتی سوء استفاده از عبارات مطاق خواهند کرد و اسباب زحمت مردم میشود. چطور؟ نوشته است. حقوق دولت در قنوات یا جا های دیگر. خوب دولت میگوید مگر ما قانون نگذارندیم که باید از آب صدی سه و نیم بدهید و میگوید خوب من که حق دارم مالیات بگیرم از قنوات، پس در قنوات حقوق دارم با این جهت تمام قنوات مال دولت است. پس باید معین شود که کدام قنات مال دولت است و از یول خزانه دولت احداث شده و خالصه دولت است. و الا اینکه اینجا نوشته حقوق دولت. دولت میگوید چون من مالیات میگیرم پس این حق من است و وقتی که حق دولت شد اسباب زحمت تولید میکند. بنا بر این این عبارت که نوشته حقوق دولت مطلق و مبهم است و بیم آن میرود که کم کم اینطور تصور شود که دولت در تمام قنوات

پنج خارجش کنیم با این جهت بنده جداً مخالفم. و همینطور نسبت با املاک خالصه و سرحدات و سواحل و بنادر آقای مدرس و آقای کازرونی بیاناتی فرمودند آقای مخبر مبرز هم با آن مبرزیتی که دارند يك جواهرهایی دادند لکن بنده نیز هم مخالفم. چرا؟ درست است قبول دارم، انشاء الله بعد از این دولتهایی میانند و خواهند آمد که اطراف مملکترا کاملاً يك سد آهنی خواهند کشید و يك قده راه نمگذارند که قشون خارجی وارد شود، انشاء الله. ولی اینرا تصدیق کنید. عقیده بنده این است که مالکین خصوصی حفظ مال خصوصی خودشانرا بهتر از دولت میکنند. بنده خودم در صورتیکه میگویم خیلی عقیده بوطن دارم ولی در عین حال نسبت بخانه خودم با مملکت عقیده من این است که خانه خودم را بیشتر دوست دارم. این است. شما میباید بحسب این عبارت تمام سواحل و جاهها را میگوئید مال دولت است یعنی اگر در يك جائی از اینها يك علاقه باشد بزعموان خالصه درس میگذارید در صورتیکه عقیده بنده این است که در تمام آنها هر جا مالك شخصی داشته باشد (چون يك قانونی هم در دوره های سابق داشتیم که ملك را نباید به تبعه خارج فروخت) وقتی که ما این قانون را داریم اگر تمام این سواحل را بدهند باشخصی که در آنها کار بکنند البته خوب کار میکنند و بهتر از کار گزاران ما که در خارجه هستند کار میکنند چرا بعلمت اینکه مالکیت خصوصی دارند. این را شما میباید در تحت مالکیت و نظر دولت قرار میگذارید بنده عقیده ندارم. و عقیده ام این است فرد فرد ما که مالکیت خصوصی پیدا کردیم بطریق اولی در حفظ منافع آن بهتر از دولت ولو خیلی هم قوی باشد میکشیم بنا بر این با این عبارت هم مخالفم. و يك عرایض دیگری هم دارم که باز در موقعش عرض میکنم.

بعضی از نمایندگان - احسنت. احسنت.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای آقا سید یعقوب که این فرمایشات را میفرمائید در صورتیکه در کمیسیون تشریف داشتند و این قضایا کاملاً مباحثه و مذاکره شده است. عبارت اول ماده پنج جواب خودشان را میدهد. اول ماده این است: املاک خالصه ذیل مشمول مقررات این قانون نخواهد بود. املاک خالصه را هم در ماده اول تشخیص داده. شور اول هم شده معین شده که اینقانون چه چیز را در این مملکت خالصه میدانوقتی شما به ماده اول رأی دادید و مسلم شد که خالصه چیست. آنوقت از میان آن خالصه ها این جور چیزها مستثنی است نظر به يك مصلحتی. دیگر قسمت مالکیت خصوصی و عمومی و این حرفها در بین نبود. فرمودید: حقوق دولت در رودخانه های عمومی در چه ها و سایر محازن و منابع طبیعی آب - چرا اینجا نوشته شده؟ یعنی شما میفرمائید فرضاً رودخانه کارون را دولت بفروشد؟! رودخانه های عمومی البته مال دولت است و نباید فروخته شود. محازن طبیعی آب، فرضاً در چه حوض سلطن و اینها را دولت بفروشد؟! بنده خیال نمیکم قضیه ای داشته باشد. آن چیزهایی که شرعاً جزو مشترکات است و املاک خاصی ندارد وزارت فوائد عامه از نقطه نظر عمومی و عرفی در آنها مداخله میکند. فرمودند که حقوق دولت در قنوات بسایر مجاری آنها. از فرز دوم ماده پنجم و آنوقت تفسیر کردند حقوق دولت را بصدی سه و نیم. خیلی جای تعجب است!! ربطی با این موضوع ندارد. حقوق دولت در قنوات بسایر مجاری آنها، مربوط بصدی سه و نیم که دولت باید مالیات بگیرد نیست. خیلی از مجاری آنها هست که دولت در آنها شریک است ممکن است یکوقت مورد احتیاج دولت واقع بشود و بفروشد.

همین امتیازی که يك نفر راجع برودخانه فاروب

رمان نیشابور درخواست کرده - رودخانه های نیشابور

زیاد است ممکن است يك روزي مورد استفاده شهر
 نیشابور بشود مثلاً برای چراغ برق یا سایر چیزها
 دولت مجاز نباشد بفروشد و برای استفاده عمومی نگذارد
 اما راجع براضی جنگل : اراضی جنگل اگرچه همانطور
 که فرمودید قانونی برای آن وضع نشده و دولت یا
 مأمورین دولت هم ممکن است يك تجاوزات و تعدیات
 نسبت به مالکین مزارع و قراء جنگل بکنند ولی اینطور هم که
 جنابعالی بیان فرمودید که بالاخره هر کس برود بکسمت از جنگل
 را تصرف کند و آن چوبهای قیمتی و آن چوبهایی که
 حتی برای خط آهن لازم است ببرد یا بتراند و
 بفروشد نباید باشد! مثل اینکه يك قسمت از سمت
 جنوبی همین جبال البرز که سابقاً جنگل داشته بتلویح
 اهالی این حدود تراشیده اند و اصلاً جنگل از بین
 رفته. ابر که يك دهی است در هفت فرسخی شاهرود
 لاکه جنگل داشته و مطابق اطلاعاتی که بنده پیدا
 کرده ام چندین فرسخ جنگل را سوزانده اند و ذغال
 کرده اند و آنری از جنگل نیست و آن چوبهای قیمتی
 را از بین برده اند. فردا که می خواهیم راه آهن
 بکشیم باید چوب از خارجه بیآوریم؟ اینطور اجازه
 ندهید که دولت نظارتش را نکلی از جنگل ها سلب
 کند و با اختیار مالکین قرار بدهد که هر طور میخواهند
 رفتار کنند. بعلاوه تا يك حدودی هم هست در اطراف
 آن مزارع که در اختیار صاحبان مزارع است و گاهی
 جنگل را آتش میزنند بدون اینکه بدانند این چوب
 ها قیمتی است یا نه برای اینکه میخواهند در آن
 اراضی زراعت کنند ولی در حال نظارت دولت در
 آن قسمتها هم لازم است. آن قسمتی را که
 صاحبان مزارع می خواهند آتش بزنند برای
 زراعت آن جا هم باید تحت نظر دولت باشد
 و اینها يك چیزهایی است که نظارت دولت را لازم دارد
 در هر نقطه يك نظر خاصی براضی جنگل دارند و
 جنگل را با يك تنظیماتی اداره می کنند و اشجارش را تحت

نمرات مرتب در نظر میگیرند و بالاخره مسئله جنگل يك
 موضوع کوچکی نیست مثلاً جنگل های کنار ساحل
 دریای خزر همه ش مالکین قراء است که در
 اواسط جنگل واقع شده اند! ما اینجا قید کردیم که
 اراضی جنگل های دولتی باستانی جنگلهایی که متعلق
 به مزارع خالصه است فروخته نشود این استثناء از
 استثناء است چون گفتیم املاک خالصه دولتی فروخته
 شود حالا این چه استثناء می کنیم و می گوئیم جنگل
 های دولتی فروخته نشود با استثناء اراضی جنگل هائی
 که در حوالی مزارع خالصه است یعنی آن مزارع
 خالصه را اجازه می دهند فروخته شود و آن جنگل ها
 هم که متعلق بان مزارع است فروخته شود. این
 توضیح است که اراضی که زارعین دارند و جنگل
 نزدیکش است آن جنگل متعلق بمالکین است و این
 کلمه يك میزان و ملاکی است برای جنگل هائی که
 نزدیک مزارع است. در هر حال باز بنده عقیده دارم که
 اگر آقایان يك نظریاتی دارند در ضمن يك پیشنهاد هائی
 بدهند می آید به کمیسیون و تحت شور قرار می گیرد و
 باز در شورائی میتوانند مطالعه بکنند و البته هر طوری
 صلاح بدانند تصویب و عمل میشود.

مخبر - آقای آقا سید یعقوب خودشان میدانند که
 بنده در این مسائل اگر دقتم از ایشان بیشتر نباشد
 کمتر نیست و اصلاحاتی که در اینماده شده نظرم هست
 که یکی دو فقره به پیشنهاد خود بنده بود. در ماده اول
 هم يك تبصره بنده پیشنهاد کردم که اگر نظرشان
 باشد تمام این توهمات را از بین ببرند و آنجا تعریف
 خالصه را کرده ایم و گفته ایم که خالصه اساساً چیست
 که دولت بعنوان خالصه این فرمایشاتی را که آقای
 آقا سید یعقوب فرمودند اجرا نکند و این جا عین عبارت
 را میخواهم و تصور نمیکنم هیچ مخالفی در مقابل این
 لایحه بشود : (خالصه دولت اولاً با املاکی اطلاق میشود
 که از اول مشروطیت تاکنون در تصرف دولت بوده

و از آنجا بهره برداشته باشد) این راجع به املاکی است
 که طرف گفتگو و منازعه بین دولت و مردم هم نبوده
 (تألیفاً املاکی که بموجب حکم محاکم قانونی صادر
 خالصه بودن آنها محرز بشود) بنهم راجع بخاصیاتی
 است که طرف دعوی مردم است و از حکم خالصه
 در دست دولت نباشد نمیتواند ادعای خالصه بکنند.
 آقای آقا سید یعقوب مثلاً میفرمایند قسمت مردم را
 میگیرند! اولاً دولت را هم ببرد اینجا برای آقای
 آقا سید یعقوب تعریف کنم که دولت چیست؟
 دولت عبارتست از مجلس شورای ملی که نماینده قطبیه
 اهالی مملکت است که از طرف خودش هشت نفر را
 بعنوان حکومت تعیین میکند که تنظیمات مملکت را اداره
 کند. آقا: دولت این است دولت عدوت از يك دولت
 خارجی نیست که ما هم داشت اینجا همه بدولت بکنیم
 (دولت مطلق را عرض میکنم) شما يك فرد از دولت
 هر کاری میخواهید بکنید ولی مطابق دولت یعنی دولتی
 که نماینده خود ما است و مال خود ما است و طرف
 اعتماد خود ما است ما این دولت را مثل يك دزد طرف
 حمله قرار بدهیم این خیلی غلط است اگر یکی از افراد
 حکومت از یکی از وظائف خودش نخطی بکند راه سوال
 و استیضاح برای مجلس شورای ملی کش نمائند مردم
 است هست و بالاخره دولت عبارت از نماینده اهالی
 و مردم است و ما که میگوئیم اگر يك ملکی در تصرف
 آن دولتی است که نماینده ما است آنها را باید دومرتبه ملت
 ایران واگذار کنند که يك عده از افراد آنها را آباد بکنند
 مقصود همان مسائلی است که میگوئید. مقصود ما این
 است که همان خالصه هائی که می گوئید در این
 مملکت کم شود و در نتیجه واگذاری خالصه مردم
 تجاوزات و تعدیات مأمورینی هم که از طرف دولت به
 ولایات میروند کم شود. و حتی الامکان تصرفات دولت
 در املاک کم شود و رو به مرافقه يك پولی هم پیدا
 کنیم که بانک را بتوانیم تأسیس کنیم و بالاخره لفظ

خالصه کم که منسوخ شود و از این حیث مردم راحت
 شوند که از طرفی هم يك قسمت مملکت آباد شود و هم
 يك پولی برای تأسیس بانک درست شود. ما اگر
 بخواهیم يك قانون بین مهمی را این قدر درش صحبت
 کنیم گمان می کنم برای قیامت هم نکند. میفرمایند
 رودخانه عمومی کدام است؟ رودخانه عمومی در مقابل
 رودخانه خصوصی است. در ماده اول تصریح کرده
 است که آنچه در تصرف دولت است مال دولت است و
 آنچه در تصرف مردم است مال مردم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 (جمعی گفتند کافی نیست)
 رئیس - کسی موافق هست به کیفیت مذاکرات توضیح
 بدهد.
 (گفته شد خیر)

رئیس - آقای خواجوی
 خواجوی - عرضی ندارم
 رئیس - آقای دادگر
 دادگر - عرض کنم بنده صحبت کوچکی داشتم
 بعد در طی مذاکرات سبب شد در موضوعی که بحث شده
 حرف بزنیم. آن صحبت کوچکی که داشتم راجع بفرمایش
 آقای مدرس بود که فرمودند سواحل و سرحدات را نباید
 استثناء کرد و استدلالاتی داشتند ولی يك چیزی محذوف
 ماند که آقای آقا سید یعقوب بطور اجمال فرمودند و
 بنده میخواهم بطور تفصیل تذکر بدهم و آن این است که
 اینها را یکی میخواهند بفروشند؟ اینها را بنا بر ایران میفروشند
 اتباع ایران و قتیکه در سرحدات مملکتشان هستند که جای
 نگرانی نیست. دولت هم هر وقت منافع عمومی اقتضا کند
 می تواند در تمام این نقاط مداخلات بکنند. این
 معهود است و اشکالی ندارد در این صورت چرا باید
 محروم کرد؟ مثلاً بنده با آقای جهشیدی مذاکره میکردم
 که اگر این طور باشد خالصات ما زودتران باید بکلی در اینجا

مستثنی باشد برای اینکه تمامشان از يك طرف به دریا متصل می شوند همین طور گیلان . در صورتیکه این طور نیست حالا می خواهید قدری بیشتر احتیاط کنید؟ با قید اینکه باتباع داخله فروخته شود بنویسند حق انتقال بخارجی هم نداشته باشد . زیرا عمود هم اجازه نمی دهد . چرا به اتباع داخله فروخته نشود ؟ و آن چیزی که آقای شیروانی فرمودند که در سیستان فلان است بنده خیال می کنم نظارت اهالی در خانه شان اشد از نظارت دولت است برای خاطر اینکه دولت چه می کند دولت در ملک خالصه اش يك تحصیلدار دارد و يك مامور . بیش از این که ندارد . اردو که ندارد ولی این مالک خصوصی سرحدی خیلی بیشتر مراقب است و اگر يك سانحه رخ بدهد دو مدافع پیدا میشود . یکی مالک خصوصی که از نقطه نظر خصوصی خانه خودش دفاع میکند و یکی هم دولت که از نقطه نظر عمومیات ضمیمه میشود و این دو فایده دارد و اما مسئله که مشروحاً میخواستم عرض کنم و راجع بدفاع محلی است و بنده وظیفه ام است که دفاع کنم مسئله جنگل است . اینجا مذاکره شده که جنگل بالاخره مال دولت است و از قله کوه تا ساحل نام مال دولت است . در صورتیکه نمیشود این را گفت . اگر بکنفری برود مازندران و گیلان گردش بکنند این توهم ارزش مرتفع میشود . یعنی ملک گیلان و جنگل بشها از هم مجزا نیست . خانه ها در داخل جنگل واقع است و مردم در آنجا سکونت دارند فلان شخص يك هم و يك حقوقي دارد که از پدرش باورسیده یا خودش خریده یا از پدرش باورسیده و حالا مالک است حالا يك چیزی بهتان عرض کنم که خود شما بدانید که اقرار بهترین حقوق شناسائی يك چیزی است مخصوصاً وقتی که آن اقرار به منفعت غیر باشد . دولت لیات میگیرد و قبض صادر میکند و از مزارع و مراتع جنگل عشور می گیرد . این اقرار صریح است به ملکیت مالکین و بنده بهتان يك چیزی عرض میکنم

و این مطلب قابل توجه است و این باید برای مجلس شورای ملی معهود باشد اعلان استثناء جنگل از اهالی مازندران و گیلان نفی سکونت آنها است در این دو نقطه . آن مالکی که آنجا مشهور است همین جنگل است برای اینکه آنها چیزی ندارند جزمی که بان اشاره میکنید و میگوئید ملک و آن همین جنگل است . حالا این اگر مشکوک است باید برود يك فکر دیگری بکنند این مسئله کم کم گفته میشود و کم کم اشتباه میشود . يك وقتی مثلاً در شاهرود فرض بفرمائید يك مالکی است مجاور جنگل این يك مطلب علیحده ایست ممکن است مجاور جنگل باشد ولی مالک جنگل نباشد ولی در مازندران و گیلان این طور نیست . این فرض در آنجا نیست آنجا عبارت است از چند درخت که اگر آقایان تشریف برده باشند میدانند که هر قسمتی از قطعات مازندران یا گیلان را که دو سال یا سه سال مراقبت نکنند جنگل میشود . حتی در جاهایی که از آهک و ساروج میسازند با اجمال دو سه سال درخت از آن بیرون میآید . خوب اطلاق جنگل هم شما بجائی میکنید که درخت دارد پس حرام آنجا هم خالصه است و این کم کم نفی مالکیت اشخاص را میکند و این يك ضروري در بر دارد . آن چیزی را هم که آقای شیروانی گفتند قبول داریم که میفرمایند دولت از خود ما است و خارجه نیست و از ما مجزی نیست ولی يك مصلحت بزرگی فوت میشود و آن مصلحت این است که وقتی شخصی دانست که بملك خودش مسلط نیست البته درست در آنجا کار نمیکنند . الان اگر این قطعات و املاک آبد و عمران میشد ما خالصجات را چرا میفروختیم ؟ ما این خالصجات را بر روی چه منطقی می فروشیم ؟ روی این منطقی میفروشیم که دولت مثل مالک خصوصی حفاظت از مزرعه خودش نمی کند و این بالاخره نقض غرضی است برای اینکه شما میگوئید باز دولت در آنجا مداخله کند و بنظر بنده انتشار این مسئله مضر است . بنده يك روزی این جا در موضوع

خالصجات عرض کردم اگر تشریف ببرید در مازندران و از نقاط مختلفه آن عبور بفرمائید می بینید که يك ملکي که مشکوک نیست صاحبش پولی که گیر می آورد صرف تعمیر و آبادی آن میکند و در خود آن ملک خرج میکند اما اسم خالصه را که رویش میکنند متوهم است و چند تومانی که در جیبش دراز روی این مزرعه خرج نمی کند و می رود يك چیز دیگر میخرد و منظورش این است که چون ماهون نیست از ملک خودش از این جهت در صد آبدی و عمران آن بر نیاید . این کلمه جنگل و این مزاحمت خانه مردم سبب میشود که مرده بیعلاقه میشوند و اسباب خرابی ملک میشود و لابد عرض میکنم دولت هر وقتی ضرورت داشته باشد و هر وقت مصلح ملکي امر بکنند که دولت در يك قذایی دخالت بکند میتواند و بالاخره دولت بر آورنده حوائج ملت است و البته مداخله میکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دشقی - بنده مخالفم

رئیس - راجع بعدم کفایت مذاکرات؟

دشقی - بلی

رئیس - بفرمائید

دشقی - بیاناتی که آقای دادگر کردند محتاج

بجواب است برای اینکه استثنائاتی توجیه کردند لهذا

بنده عقیده ام این است که باید جواب داده شود

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات

آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است

بعضی از نمایندگان تنفس

رئیس - پیشنهادها باید قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم ماده پنجم حذف شود
پیشنهاد آقای مدرس : پیشنهاد میکنم از ماده پنجم فقره پنجم حذف شود
ایضا پیشنهاد آقای مدرس : پیشنهاد میکنم باخرفقره اول از ماده پنجم اضافه شود (که در املاک خالصه واقع است)
پیشنهاد آقای نظامی : بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنجم در آخر قسمت ششم اضافه شود در هر باب يك الي دو قریب .
ایضا پیشنهاد آقای نظامی : بنده پیشنهاد میکنم قسمت هفتم ماده پنجم حذف شود .
ایضا پیشنهاد آقای نظامی : بنده پیشنهاد میکنم در آخر قسمت هفتم از ماده پنجم اضافه شود که قبل از تصویب این قانون وزارت مالیه معین خواهد نمود -
پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا : پیشنهاد میدارم فقره پنج از ماده پنج حذف شود .
پیشنهاد آقای امیر تیمور : بنده قسمت (ز) ماده پنجم و يك قسمت از مندرجات ماده مزبور را زائد دانسته لذا ماده پنجم را بطریق ذیل تنظیم و پیشنهاد میکنم .
ماده پنجم - املاک ذیل دولت مشمول مقررات این قانون نخواهد بود .
(ا) - حقوق دولت در دریاچه های عمومی و سایر مخازن و منابع طبیعی آب
(ب) - حقوق دولت در قنوات و سایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدی ها بوده و یا بتوسط آنها مورد استعمال واقع میشوند .
(ج) - اراضی جنگل های دولتی باستثناء جنگل هایی که متعلق بمزارع خالصه است .
(د) - اراضی که در آنها وجود ذخائر معدنی نفیسه مسلم است

(ه) - کلیه املاک خاصه که ممکن است مستقیماً برای انجام مقاصد دولتی مورد احتیاج واقع شوند.
(د) - بندها و آثار تاریخی و کادرا ناسراهایی که در راهها برای استفاده عابرین ساخته شده.

امیر تیمور - بنده پیشنهاد نکرده ام

رئیس - پیشنهادی است که در مذاق در دو سه ماه قبل کرده اید.
امیر تیمور - بله

(بقیه پیشنهادات بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای دبیا: اصلاح فقره اول را بترتیب ذیل نقاش دارم:

رودخانه ها در بچه ها و سایر مخازن و منابع طبیعی آب در صورتیکه متعلق بشخص نباشد پیشنهاد دیگر آقای دبیا: اصلاح فقره دوم را بترتیب ذیل پیشنهاد می‌نمایم:

قنوات دولتی و مجاری آب که متعلق بدولت است. اینها پیشنهاد دیگر آقای دبیا: پیشنهاد می‌نمایم فقره چهارم بترتیب ذیل نوشته شود:

اراضی دولتی که در آنها وجود ذخائر معدنی نفیسه مسلم است

پیشنهاد آقای محمدولی میرزا: فقره (ب) را چنین پیشنهاد میدارم

سهم متصرفی دولت از قنوات که آبهای آنها محتاج الیه بلدیة باشند

پیشنهاد آقای حائری زاده: بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل ضمیمه ماده پنجم گردد:

تبصره - دولت مالکیت مطلق کلیه معادن و منابع معدنی املاکی را که مطابق این قانون انتقال میدهد برای خود حفظ خواهد نمود ولی هر موقع استخراج این قبیل معادن یا منابع معدنی یا استفاده از آن مورد لزوم یابد هرگونه خسارتی را که بمملک وارد شود همچنین قیمت هر مقدار زمین و هر قسم اشائانی که از ملک مزبور برای این

مقصد تخصیص داده شود نسبت بمالك جبران خواهد نمود میزان جبران ضرر بتراضی طرفین و در صورت عدم تراضی بحکمیت تعیین خواهد شد

پیشنهاد آقای نقاشی: این بنده تبصره ذیل را برای توضیح قسمت اول از ماده پنجم پیشنهاد می‌نمایم

تبصره - بقصد از رودخانههای عمومی رودخانه هایی است که از طرف دولت و اهالی محل استفاده خصوصی از آنها نمیشود.

پیشنهاد دیگر آقای نظامی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم در عوض مدت ده سال نوشته شود دوازده سال.

پیشنهاد آقای محمود رضا: بنده پیشنهاد می‌نمایم بجای (املاک خاصه و اراضی متصل بسرحداث) نوشته شود (املاک خاصه سرحدی یا سواحل یا بنادر)

پیشنهاد آقای امیر حسین خان: بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنجم قسمت (ج) حذف شود

پیشنهاد آقای فیروز آبادی: بنده بعنوان تبصره پیشنهاد میکنم که نوشته شود چنانچه خالصجائی را که دولت میفروشد بموجب این قانون محل احتیاج سیاسی و یا اقتصادی شدید دولت بشود مالك آن مجبور میباشد که هر قدر آن محل احتیاج دولت باشد بقیمت عاده بدولت بفروشد.

پیشنهاد آقای عمادی: بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجم بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای امیر تیمور: بنده پیشنهاد میکنم که از ماده پنجم قسمت الف و ه حذف شود

رئیس - چند دقیقه جلسه تعطیل میشود (در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیر مالیه - در این موقع که لایحه دو دوازدهم را تقدیم مجلس میکنم میخواهم يك تذکری عرض کرده باشم واستدعائی کرده باشم: آقایان مسبقند که در

کمیسیون بودجه قسمت عمده بودجهها گذشته و حاضر شده است از قبیل بودجه وزارت فواید عامه، و بست و تلگراف، و معارف و داخله، یعنی لایحه اضافی یا خود بودجه ها. بودجه وزارت عدلیه هم بطور دیگری گذشته است فقط وزارت خارجه لایحه اضافی هنوز تهیه نشده است. میخواستم تقاضا کنم اگر آقایان موافقت دارند اینها هم منظور قسمت قسمت که تهیه میشود برور برای تصویب بمجلس بیاید و تصویب شود زیرا اگر نخواهند صبر کنند که همه تمام شود باز شاید يك مدتی عقب بیفتد در صورتیکه هر قسمت از آنها چند جلسه را مشغول خواهد داشت چون بودجه جزء و تفصیلی است و البته در مجلس طول خواهد کشید خواستم تقاضا کنم اگر آقایان موافق هستند از طرف کمیسیون بودجه قسمت قسمت این بودجه ها بمجلس بیاید و در مجلس تصویب شود.

(لایحه اعتبار دو دوازدهم بودجه ملکیتی را تسلیم نمودند)
رئیس - لایحه ارسال میشود به کمیسیون بودجه. آقای زوار مخالفت خودشانرا نسبت بانتهایات سیرجان پس گرفته اند

حائری زاده - بنده مخالفم
اسفندیاری - بنده هم مخالفم

رئیس - چون آقای حائری زاده مخالفند بطوریکه قبلاً گفته شد میباید برای جلسه بعد

حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم و قبل از ایشان اجازه خواسته ام

رئیس - بسیار خوب هر دو مخالفید. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده بحسب سابقه عرض میکنم در اعتبار نامه که یکنفر مخالفت میکرد و مخالفت خودش را پس میگرفت سابقه ندارد که کسی در همان جلسه مخالفت بکند عقب بیفتد. عبارت نظامنامه این است که اگر اعتبارنامه مطرح واقع شد یکنفر از نماینده ها مخالفت کرد به بعد می افتد. آقای زوار مخالفت کردند و عقب

اقدام حلاً پس گرفتند سابقه نداشته که دیگر همین روز عده مخالفت کنند و عقب بیفتد و اگر این سابقه هم نخورده است عقیده ندارم مخالفت کردن آقای حائری زاده و آقای اسفندیاری و آقای حاج میرزا مرتضی موضوع تاخیر داشته شد حلاً اختیار بمجلس است این را برای تذکر خواستم عرض کنم.

رئیس - آقای وزیر مالیه برای جواب بعضی سوالات حاضرند آقای کازرونی

کازرونی - دولت موظف و مکلف است قانونی را که مجلس شورای ملی وضع کرد بموقع اجرا بگذارد و اگر چندین نظریه در حدود آن قانون داشته باشد این هیچ مانع این نیست که آن قانون را بموقع اجرا بگذارد یعنی آن نظریه تازه که برای دولت پیش آمده ابتدا اثر ندارد در اجرای آن قانون که مجلس مقدس وضع کرده و دولت را مکلف بجراش کرده است سؤال بنده راجع بتمیزی بود. بنده از سایر ولایات و نقاط مملکت اطلاع ندارم عرض بنده راجع بفارس است و مخصوصاً در قسمت دشتی و دشتستان و بنادر و سواحل خلیج فارس راجع بتمیزی که از مجلس مقدس گذشته ضرب الاجل کرده که در مدت معین منتهی بیتی عمل تمیزی را بنام تمام برسانید و این يك وظیفه حتمی بود برای دولت. بنده نمیتوانم در این مدت متمادی که گذشته دولت عملیات خودش را خاتمه داده است که پنج شش ماه دیگر که از مدت آن قانون باقی است صوت آنرا بمجلس مقدس تقدیم کند تا اینکه خودش برطبق تمیزی عمل بکند یا خیر؟ و اگر نکرده آیا اطمینان کامل میدهد که در این مدت باقی مانده عمل تمیزی را تمام بکند یا نه؟ و اگر تمام نمیکند چه دلیل دارد و منظورش چیست؟ با اینکه متقبل شده و مکلف بوده که وجوباً این قانون را در مدت دو سال کاملاً بموقع اجرا بگذارد به چه دلیل و چرا تاخیر انداختید؟ این عرض بنده است.

وزیر مالیه - در مقدمه فرمایشاتشان نمیندیده محترم

اظهار فرمودند دولت مکلف با اجرای قانون مصوبه مجلس و اگر هم يك نظریاتی دارد قبل از آنکه آن نظریات از طرف مجلس تصدیق شود نباید آنها را بموقع عمل بگذارد البته همینطور است و این يك اصل مهمی است دولت هم بغیر از این هیچ کاری نکرده و ابتدا تصمیمی غیر از این نداشته و ندارد و ننده نمیدانم اصل موضوع این اظهار چسرا و از چه رو پیش آمده . شاید این نظر نماینده محترم مبني بر يك سوء تفاهمی باشد که در خارج هم شنیده شد که تصور کرده اند بواسطه تغییر و تبدیل دستجات میزین از تقاضای به نقاط دیگر وزارتنامه صرف نظر از میزینی کرده است و میخواهد میزینی را موقوف بکنند . در صورتیکه همچو چیزی نیست و برای این شبهه و سوء تفاهم هم اعلانی از طرف وزارت مالیه بجزایرد و مطبوعات فرستاده شده اخبار ولی چون جراید امروز و دیروز را ننده ندیدم نمیدانم چاپ شده و با اطلاع آقایان رسیده یا خیر .

مهدوی - نشده .
وزیر مالیه - اینجا هم برای استحضار خاطر آقایان مطلب را توضیحاً عرض میکنم .

در قانون مالیات میزینی املاك موعودی که معین شده است تا آخر هزار و سیصد و شش است در این سنه ۱۳۰۵ که میزینی در جریان بوده يك تجریماتی در ضمن میزینی خود وزارتنامه پیدا کرده و يك شکایاتی هم از مردم رسیده و تحقیقاتی در آن شکایات بعمل آمده . قضیه میزینی البته آقایان تصدیق میفرمایند که يك امر فنی است ، يك کار مشکلی است ، هر کس با هر محاسبی یا هر عضو اداره یا مستخدم اداره ممیز و ممیز کننده نمیتواند واقع شود . دستجات زیادی برای ممیزی از مالیه معین کرده بودند و بنقاط مختلفه به مملکت تقسیم کرده بودند و در ۱۳۰۵ هم قسمت زیادی از املاك بوسیله این دستجات ممیزی شده و در ضمن عمل يك شکایاتی از يك نقطه می رسید که نسبت بعمل این ممیزین

نا رضایتی اظهار میکردند . چون عده آنها دستجات خیلی زیاد بود و بین آن عده اشخاص متخصص فنی که حقیقه طرف اطمینان باشند از اینکه يك خبط و اشتباهی در قسمت ممیزی نمیکند بالنسبه کم بود و آنطور که میباشد وزارتنامه نمیتوانست کنترل عمل این دستجات ممیزین را داشته باشد و در دوسه جا هم که تفیش کرد در شکایات وارده بعضی اشتباهات از طرف مامورین هم شده بود . بن ملاحظه برای اینکه کار از روی دقت بیشتر و بصیرت کاملتر و نزدیکتر با احتیاط انجام بگیرد اخیراً در وزارتنامه بانطور تصمیم گرفته شد که قسمتها را بکندری کمتر کنند و يك نقطه که ممیزین خیلی پیش رفته بود و عده کمی از قراء و دهات و قصبات باقی مانده بود که میزینی آن ایالت بولایت تکمیل بشود تمرکز بدهند عده دستجات میزین را بان طرفی که کارش کمتر بود برای اینکه زودتر کارش تمام شود و بعد يك عده دستجاتی که باقی میماند به يك نقطه دیگری که تمام است با خیلی باقی مانده مأمور کنند از اینکار دو نتیجه حاصل میشود یکی این است که نظارت وزارت مالیه در طرز میزینی کردن بیشتر میشود و تمرکز بیشتر پیدا میکند یکی هم اینکه يك تقاضای زودتر ممیزیشان تکمیل میشود و از نقطه نظر نتایج و مقتضیات اداری این طرز عمل و این ترتیب کار کردن بهتر و نزدیکتر اصلاح و مقصود آقایان است و آن مقصود این است که میزینی يك ممیزی صحیح و طرف اطمینان باشد . این تصمیم وزارت مالیه وقتی که بموقع اجرا گذاشته شد و از بعضی نقاط ممیزین خواسته شدند که بنقاط دیگر بروند این طور جلسه گر و تصور شد که خواستن این ممیزین برای این است که وزارت مالیه ممیزی را میخواهد موقوف کند . این را بنده کاملاً تکذیب میکنم همینطور هم برای اطلاع عموم مردم اعلان شده در تمام روزنامه ها و مستحضر خواهند شد و البته يك نظریاتی هم اگر در اصل قانون دولت و وزارتنامه داشته باشد آقای کازرونی میتواند مطمئن باشد تا آن نظر را بترتیب لایحه

تقدیم مجلس نکند و مجلس تصویب نکند هیچ زلزلی در اجرای قانون مصوب مجلس موجود نخواهد شد .

کازرونی - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

کازرونی - بنده اولاً در اهمیت قانون هیچ نمیخواهم وارد شوم و همچنین در طرز عملیات وزارتنامه بنده حق ندارم وارد شوم که بگویم شما چه کرده اید و چه خواهید کرد . بنده فقط چیزی که میخواهم از وزارت مالیه این است که بر طبق مسؤلیتی که دارند در رأس این مدت ایزان را میزینی شده بما تحویل بدهند . بنده این را می خواهم . خودشان می دانند . هر طور می خواهند عمل کنند . لیکن اطمینان بدهند که بر طبق قانون یعنی بحکم قانون عمل را تمام شده تحویل خواهیم داد .

وزیر مالیه - این اطمینانی که آقای کازرونی میخواهند محتاج باین است که بنده مراجعه کنم و از روی صورت معلوم کنم که در عرض این یکسال که میزینی شده به چه تناسب از نقاط مملکت میزینی شده که فعلاً ما بتوانیم حساب کنیم برای یکسال دیگر که از این مدت باقی مانده در این مدت باین تناسب تمام میشود یا تجدید مدت لازم خواهد شد . این را در صورت سؤال توضیح نداده بودند و الا بنده مراجعه میکردم بدوسید و از روی اطلاع جواب میدادم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم در همین موضوع

سؤال دارند ؟

آقا سید یعقوب - يك جور دیگری است سؤال بنده در همین موضوع است اما غیر از آن است . این سؤال و جوابی که بین آقای کازرونی و آقای وزیر واقع شد بنده از يك راه دیگر سؤال دارم بنده آنچه که اطلاع دارم ترك کردن عملیات میزینی از این نقطه نظر نبوده است که ایشان بیان کردند . ترك کردن عمل میزینی

برای این بوده است که در بعضی جاها نگه کرده اند و دیده اند بنفع دولت است بر طبق میزینی عمل کرده اند و در بعضی جاها که دیده اند بضرر دولت است آنجا را ول کرده اند . بنده مؤمن میباشم که مؤمن بعضی و آنکه بعضی نباید وزارت مالیه کار بکند . هر کجا يك دهائی بوده است که مالیت نداشته است و جدید الاحداث است مطابق ممیزی رفته اند . يك جاها همی است که در نتیجه ممیزی زمان عبس میرزا تقی خان امیر انبک يك مالیت نهائی در آنجا هست و بعد بواسطه انقلابات آن رعایه از آنجا رفته اند جای دیگر ایجاد ده کرده اند دولت رفته آن مالیات را از آن ده که خراب است میگیرد . آقای حاج آقا اسمعیل میدانند در عراق خیلی ده هست شهرستان و شهرستانک است که بکلی خراب شده و از آنجا مالیت میگیرند در صورتیکه رعایای آنجا رفته اند جای دیگر و مامورین مالیه میگویند چون آنجا يك زمانی آباد بوده از این جهت باید مالیت بدهد ولی اگر يك جائی برای دولت صرفه نداشته آنجا را رد کرده اند و ممیزی نکرده اند بنده خواستم در این باب آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که چطور در آنجا هائی که به نفع دولت تمام میشود ممیزی میکنند و آنجا هائی که به نفع دولت نیست نمی کنند ؟

اگر چه مقصود از نفع دولت هم در اینجا نفع ملت است و برای آسودگی مردم است و نظر ما هم به آسایش و راحتی مردم و ملت است . خوب است آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که چرا این تبعیض در موقع ممیزی شده و علت چیست ؟ بنده کاملاً خبر دارم در طرف ملایر يك مالیاتهای زیادی از مردم میگیرند . خلاصه آنکه در يك جاها هائی که به نفع دولت است ممیزی میکنند و آنجا که به نفع دولت نیست ممیزی نمیکنند و آنجا را ول میکنند اگر دولت این قانون را نمیتواند اجرا کند خوب است بیاید و رسماً لغو او را به مجلس پیشنهاد

کند و الا باید بطور مساوی در همه جا اجرا کند. آقای وزیر مالیه در مجلس پنجم حاضر بودند و مکرر در اینجا گفته میشد که مقصود ما از وضع این قانون زید کردن عایدات دولت نیست بلکه نظر همه آقایان این بود که مالیاتها يك نسق بشود و از روی يك قاعده و ترتیب اساسی اخذ شود.

خوبست آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که چرا در ممیزی تبعیض میشود. این بود سؤال بنده

وزیر مالیه - ما وقتی که قانون می نویسیم تقاضا داریم که قانون هم اجرا شود. اگر يك وقتی در حین قانون گذاری در قانونی که میگذرانیم يك نواقصی باشد یا يك چیزهایی باشد که پیش بینی نشده باشد آنوقت در اجرای آن قانون که صلح را قائل هستیم و همانطور که آقای کازرونی فرمودند دولت باید قانون را اجرا کند ولی در جزئیاتش میگوئیم چرا این طور شد.

آقای آقا سید یعقوب - تصدیق میفرمایند قانونی که از مجلس گذشت هیچ قید نکرده که اول باید این ممیزی را تمام بکنند بعد از آنکه ممیزی تمام شد آنوقت باید مطابق این قانون مالیات بگیرند. نه این قید در قانون نیست. در قانون دو سال برای مدت ممیزی وقت معین شده ولی مقرر نشده که مصرحاً تا وقتی که تمام ممیزی مملکت خاتمه نیافته باشد مطابق سابق عمل خواهد شد و قانون ممیزی پس از ختم تمام ممیزیها در مملکت اجرا میشود.

مدرس - نسبت به ایالات و ولایات گویا شد.

وزیر مالیه - اجازه بفرمائید همان طور که آقا قانون را مطالعه فرموده اند بنده هم مطالعه کرده ام هم در وقتی که این قانون را می نوشتید خودم در مجلس شریک بودم و هم بعد ملاحظه کرده ام باین ملاحظه وقتی که شروع به ممیزی کردند این مسئله از بدیهیات است و همه میدانیم که نمیشود يك مرتبه تمام مملکت وسیع ایران را ممیزی کرد. علی الخصوص یا

فراهم نبودن وسائل کار و نبودن متخصص لازم و بابتی وسائل ارتباطیه که در این مملکت هست. ممکن نبود تمام مملکت يك مرتبه ممیزی بشود. تمام این مسائل سبب شد که در بعضی جاه که ممیزی شده بود مطابق ممیزی جدید از آنچه ها مالیات میگرفته و آنچههایی که ممیزی نشده بود مطابق ترتیبات و مقررات سابق با آنها معامله میکردند. در این ضمن شکایاتی از بعضی جاها رسید. و آقایان میدانند عرایضی را که بنده اینجا عرض میکنم از نقطه نظر دفاع نیست بلکه میخواهم مطالب روشن شود و از این جهت عین واقع را عرض میکنم. بنده عرض میکنم که تمام عملیاتی که مأمورین دولتی میکنند برخلاف رویه نیست وقتی که آقایان نمایندگان با وزراء يك مذاکراتی می کنند یا يك مطلبی را طرح میکنند از يك طرف برای كشف حقایق است دیگر برای رفع نواقص خلاصه این شکایات رسید و گفته شد در قسمت هایی که ممیزی کرده اند اگر از جزو جمع سابق علاوه شده آن مالیات ممیزی شده را میگیرند و اگر خیر علاوه نشده بلکه کسر شده همان مالیات سابق را میگیرند. از این نقاط شاید هم در بعضی مواقع و موارد يك همچو ترتیبی پیش آمده باشد ولی مالیه می گفت من به موجب قانون ممیزی ملزم نیستم که تا آخر ۱۳۰۶ مطابق ممیزی جدید مالیات بگیرم و تصریحی در این خصوص در قانون ممیزی نیست. این مسئله مورد اختلاف شد و اگر خاطر آقایان باشد در چندی قبل در اوایل تصدی بنده بکار گویا يك طرحی پیشنهاد شده بود برای رفع همین اشکال و بعضی از آقایان نمایندگان میگویند مقصود از قانون فرضاً هم که روشن نباشد همین بوده که فارقی که ممیزی تمام نشده تبعیض نباید بشود و بنده برای اینکه این کار روشن شود خودم موافقت کردم در این جا و مخالفت نکردم و عقیده مند بودم که آن طرح برود به کمیسیون قوانین مالیه و دولت هم در کمیسیون قوانین مالیه حاضر شود تا بلکه از این راه رفع این اشکال و

اختلاف نظر بشود. علاوه بر این از نقطه نظر اداری هم يك دستور العمل هائی داده شده و يك اقداماتی در زمینه همین نظری که آقایان دارند شده و دستور صریح داده شده که هر جا که مالک یا خورده مالکی شکایت میکند که چرا مطابق ممیزی از من مالیات نمی گیرید اگر در آن ناحیه از سایر قسمت ها مطابق مالیات جدید مالیات میگیرند از آنها هم مطابق ممیزی جدید مالیات بگیرند. این دستور العمل ها هم از نقطه نظر اداری داده شده ولی انکار نباید کرد که هر قانونی در نتیجه عمل و تجربه باید تکمیل شود. این قانونی که گذشته نواقصی دارد و نه تنها این يك مورد که محل اختلاف نظر است بلکه يك نواقص دیگری هم دارد و وزارت مالیه يك مطالعاتی در این قانون کرده و يك نظریاتی اتخاذ نموده و از تجربیاتی که در این مدت از این قانون حاصل نموده يك پیشنهاداتی بمجلس خواهد کرد و البته هر طور آقایان تصدیق و تصویب فرمودند دولت هم عمل خواهد کرد ولی این مسئله را آقایان باید تصدیق بفرمایند که اگر اختلاف نظری در قانون پیدا شود آن اختلاف را باید از راه قانونی و اصلاح ماده رفع کرد.

در اینجا بنده موقع را مغتنم مدشمرم برای عرضیکه شاید حاشیه باشد ولی در محال لازم است عرض کنم که وزارت مالیه البته مکلف است مالیات را مطابق قانون مطالبه کند و بموجب قوانین اساسی و عادی و جاری و عادات و رسوم اختیار اینرا هم ندارد که خودش در يك قسمتهائی قضاوت کند و اگر چنانچه مسائلی را وارد دید اصلاح کند یا مثلاً اگر نسبت به يك ایالت یا يك مردمی يك تخفیفاتی را جائز دید از گرفتن مالیات آنها صرف نظر کند

ناچار باید مراتب را بمجلس پیشنهاد کند و از مجلس تقاضای تخفیف مالیاتی را بکند اینرا هم عرض کنم البته آقایان تصدیق میفرمایند تمام مالیات هائی که در

این مملکت وضع شده تمام از روی يك اصول روشن و قوانین صحیح نیست يك جزء جمع های قدیمی داشته و مالیات افراد يك صورت هائی داشته که امروزه بعضی از آنها بی مورد و شاید اسباب زحمت مرده است. ولی البته تا وقتی که مالیات ها بشکل صحیحی در نیامده و يك ترتیب اساسی اتخاذ نشده ناچار به مطابق همین سابقه و معمول رفتار کنیم. در این قبیل موارد آقایان میفرمایند بنده مرده گرفتار و دچار بدبختی و مضیقه هستیم معیناً مالیه مطالبه مالیات از آنها میکند البته اگر مالیه اضافه از حق قانونی مالیات میگیرد مرده باید شکایت کنند و دولت هم البته باید جلو گیری از اجحاف و تجاوز کند اما اگر در حدود قانون مالیات میگیرد نباید مورد شکایت واقع شود. و اگر اصلاحی لازم باشد باید در این جا بشود.

راجع به هائی شمال شرحی فرمودند. ایست که تصدیق ندارد. ما هم خودمان تصدیق داریم و با این فرمایشات موقفیم. و اطلاع داریم. فرمایشاتی هم که قبل از دستور در موقعی که بنده وارد شده آقای رفیع میفرمودند البته صحیح است و همه مرده فقیر و بدبخت شده اند. هیچکس منکر این مرتب نیست و البته يك کمک هائی باید بآنها کرد. و دولت هم مطابق ندارد که بآنها کمک هائی بکند و البته هر جا که مقتضی دید هیچ ضرری ندارد که بآنها تخفیف بدهد یا مثلاً بکسال از آنها مالیات نگیرد ولی این باید مطابق مقررات قانون باشد. و وقتی که بموجب قانون شد مالیه هم تکلیف خودش را میداند و مورد اعتراض واقع نمیشود.

در خاتمه باز عرض میکنم راجع بقانون مالیات ارضی مطالعاتی را که آقای آقا سید یعقوب بیان اشاره فرمودند شده و در موقع خودش بعرض خواهد رسید.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - يك كلمه اين جا آقای وزير ماليه فرمودند كه بايد جواب عرض كنم. بهتر اين است كه آقای وزير ماليه هميشه در مجلس باشند زيرا در قانونگذاری نظرشان بهتر است تا در موقع اجرا. زيرا وقتی كه برای اجرای قوانين از مجلس تشریف ميبرند بيرون آن روح قانون گذاری را ندارند. در اینجا ميفرمایند فلان شكایت ميشود بنده عرض ميكنم آقا شما و ما همه مستخدم اين مردم هستيم. چرا آنجا كه به نفع دولت ممیزی ميشود فوری مطابق ممیزی جديد ماليات ميگيريد ولی آنجائی كه به نفع دولت نيست ولی ميگيريد و اين جوايهائی كه فرمودند بنده عرض ميكنم اصلاً وزارت ماليه اداره ممیزی را در ايالات و ولايات منحل کرده اين بود كه بنده خواستم در اینجا اين مطلب را عرض كنم.

وزير ماليه - خير اينطور نيست.

رئيس - آقای فهیمی

يك نفر از نمايندگان - حاضر نيستند.

رئيس - آقای محمد ولی ميرزا

محمد ولی ميرزا - موضوع سؤال را استدعا دارم بفرمائيد. چون مدتی گذشته فراموش کرده ام.

رئيس - راجع به مطبوعات آذربايجان است.

محمد ولی ميرزا - نظر آقایان هست كه بنده سابقاً در خصوص نظامی كه صاحبان مطابع آذربايجان کرده بودند سؤال کرده بودم. مخصوصاً شكایت کرده بودند كه وزارت ماليه حتي اوراق عادی (غير از اوراق بهاء دار) را در مركز طبع ميكنند و از مركز برای دوائر و ادارات دولتی آذربايجان ارسال ميدارند. اعتراضی كه بنده داشتم علاوه از نقطه نظر اقتصادی گمان ميكنم هيچ وجه بصره وزارت ماليه نباشد كه اين كار را بكنند. زيرا از آذربايجان كاغذ به طهران حمل ميشود. در اين صورت هيچ فلسفه ندارد كه در اینجا اوراق طبع شود و آذربايجان ارسال شود. در آن موقع وزير ماليه وقت

اظهار فرمودند كه چنين قضيه بوده ولی ممنوع شده است. و مخصوصاً فرمودند تلگراف شد. كه در آتیه اوراق را در همانجا طبع كنند. ولی نايباً از طرف صاحبان مطابع شكایاتی رسيد و معلوم شد بهيچ وجه دستور وزارت ماليه در آنجا موقع اجرا گذارده نشده است يا در مقابل اظهارات بنده وزير ماليه وقت اقدامات و توجهی نفرموده اند. حالا نميدانم آقای وزير ماليه فعلی هم همان بيانات وزير ماليه قبل را تکرار خواهند فرمود؟ اگر اين طور است كه بنده شنیده ام و محتاج به تکرار نيست ولی اگر واقعاً بيان عمل خواهند كرد و قضيه يك صورت ديگری پيدا خواهد كرد. آن را هم بفرمایند تا بنده مستحضر شوم.

وزير ماليه - بنده از بيانات سابق مستحضر نيستم و خاطر ام نيست ولی وقتی كه اين سؤال رسيد مراجعه كردم اداره مربوطه معلوم شد كه از طرف وزارت ماليه تلگراف و كتب دستورات آذربايجان داده شده است و خود بنده هم يك تلگرافي برای تأييد و تأييد اين قسمت با آنجا مخبره كردم كه مطبوعات را در خود تبريز طبع كنند و اگر نماينده محترم تصور ميكنند احكام مركزی در ايالات و ولايات مجري نميشود اين را ممكن است هم ايشان تعقيب كنند و هم بنده تا هر در بوظيفه خودمان عمل کرده باشيم.

رئيس - آقای حاج آقا رضا رفيع راجع به وجوه قند و شكر سؤال کرده بودند.

حاج آقا رضا (رفيع) - آقایان البته در نظر دارند كه در دوره پنجم ماليات انحصار قند و شكر با آن ترتيب وضع شد. ما برای يك اصلاحات مهمی يعني برای راه آهن آن ماليات سنگين را وضع كرديم و آن طور مردم رانخت فشار گذاشتيم و البته هيچ كدام از آقایان راضی نيستند كه اين پول با اين ترتيب از مردم گرفته شود و غير از آن مصرف اصلی خرج شود. برای مخارج وصول آن عوائد هم مجلس پيش بينی كرد صد هشت داده شود. بنده چندی قبل

استفسار كردم معلوم شد آن مبلغ را كه مجلس اجازه داده بود خرج شود يك مقداری از آن خرج شده و يك مقدار از آن خرج نشده و اين پول در وزارت ماليه بقي بود و آئين بين يك اشخاصی تقسيم کرده اند. بنده گمان نميكنم اين پولی كه از مردم گرفته ميشود مجلس حاضر باشد تصرف ديگری غير از آن مقصود اصلی صرف و خرج شود - (نمايندگان صحيح است) اين پول برای اين از مردم گرفته نميشود كه بين يك اشخاصی تقسيم و توزيع شود بلكه برای يك مقصودی دريافت ميشود. اين بود كه بنده خواستم از آقای وزير ماليه سؤال كنم آيا اين مسئله صحيح است يا خير؟

وزير ماليه - در قانونی كه راجع به انحصار قند و شكر از مجلس گذشته است صد هشت از عوائد برای مخارج وصول عوائد انحصار اعتبار و تخصيص داده است. اين كه مطلب چنين صورتی را داشته باشد كه يك مبلغی خرج اين وصول بشود و ما زائد آن در وزارت ماليه بين يك اشخاصی تقسيم شده باشد اينطور نيست. ولی طرز وصول و طرز خرج صد هشتاً شايد بيك صورتی عمل کرده اند كه آن صورت مورد اعتراض واقع شده بدين معنی كه اين صد هشتاً بملاحظه خرج وصول در يك قسمت از ادارات و دوائر مركزی يا خارج از مركز بمناسبت اينكه كار انحصار رجوع بآن دوائر بوده مصرف کرده اند يعني از اين وجوه يك اشخاص را استخدام کرده بودند و ممكن است بيك اشخاصی هم كه در ادارات دارای شغلي بوده اند و اينكار ارتباطی بان دوائر داشته يك حقوق يا اضافه حقوقی داده باشند.

غرض اين است صورت ظاهري خوب جوری نبوده ولی بنده بمجرد اينكه اين مسئله را در كميون بودجه از آقایان شنيدم و مراجعه كردم همان وقت اين تذکره را دادم و برای ۱۳۰۶ جلوه اين مسئله را گرفتم بطوريكه در ۱۳۰۶ اين مخارج مركز پيدا خواهد كرد بيك ترتيب معين و در يك نقاطی كه منحصرأ كارشان مربوط به انحصار

قند و شكر است و اين صورت تفرقه و نشستی كه اين وجه در بين اعضاء ادارات پيدا کرده بود ظاهري موهب اين بود كه يك تقسيباتی شده باشد و در هر حال اين ترتيب را بنده از ۱۳۰۶ موقوف کرده ام.

حاج آقا رضا رفيع - اجازه ميفرمائيد.

رئيس - بفرمائيد.

حاج آقا رضا رفيع - بنده محكمه اين سؤال و جواب در مجلس واگذار ميكنم و از مجلس تقاضا مي كنم كه در اين قضيه حكم كنند. بيد اين پولی كه داده شده است معلوم كنند چقدر است و به كي داده شده و بهر كسی داده شده بيد از او پس بگيرند و با از حقوق او كسر كنند. و مخارج عايدات بگذارند.

جمعی از نمايندگان - صحيح است.

وزير ماليه - بنده تصور ميكنم عرايض بنده درست بر آقا روشن نشد. بنده عرض کرده كه در قانون برای مخارج انحصار اعتباری داده اند كه خرج بشود ولی طرز و رويه كه در اداره برای خرج وصول تشخيص داده اند بطوری بود كه عرض كردم خود بنده هم تصديق دارم كه خوب ظوري نبوده. و اگر اين تشخيص از نقطه نظر اداری صحيح نيست ولی از نقطه نظر اصل موضوع چندان غلط نيست. زيرا خود قانون اين طور مقرر داشته. منتهی خرج اين وجوه را بشكل خونی قرار نداده بودند و تقسيم کرده بودند بدارت متفرق و مختلف مثلاً به محاسبات يا تقديس يا مثلاً در كمر يا جای ديگر. در هر حال صورت ظاهري چندان خوش نبود و ما اين را رفع كرديم. ولی اصل مطلب و موضوع و با همائی كه در سابق چيزی گرفته اند ايراد و بخشي وارد نيست و فقط يك اشتباهی است كه در طرز اجرا و تقسيم پيش آمده و اين هم رفع خواهد شد.

رئيس - آقای فرهمند

يك نفر از نمايندگان - تشریف ندارند.

رئيس - آقای دشتی

دستی - بنده قبلاً از آقای وزیر مالیه استدعا میکنم که در جواب عرایض بنده صرف فورمولهای جوابی اکتفا نکنند و برای اینکه مقصود ما از سؤال حاصل شده باشد جواب بفرمایند. عرض میکنم میگویند: (اول باید چاه را کند بعد منار را دزدید.) یکی از سیاسیون ایران میگفت: (اول باید منار را دزدید بعد چاه خودش کنده میشود.) ولی حالا طوری شده که منار را دزدیده اند ولی چاهش هنوز کنده نشده است. و آن مسئله قاجاق است در سواحل خلیج فارس. بنده حالا توجیض را درست میدانم که چقدر است ولی قریب یکسال و چهار پنج ماه است که قانون انحصار قند و شکر از مجلس گذشته و همچنین سوره کس که از برای راه آهن معین شده و متعاقب وضع این قانون قاجاق در سواحل خلیج فارس به متهای شیوع رسیده یعنی تمام اجناسی که باید بفارس بیاید و به بندر عربستان وارد شود نتیجه این شده است که تمام بازارهای بندر انگه و بندر عباس و بندر بوشهر سقوط مهیبی یافته. بنده خواستم بدانم وزارت مالیه در این موضوع چه اقدامی کرده پارسال گفتند که شش تا کشتی ماشین دار که کشتی موتوردار هم میگویند قرار است بسازند برای تعقیب قاجاق. لازم است عرض کنم که این کشتی ها ابدأ نمی تواند باجهازات مسلحی که قاجاق میکنند مقاومت کنند از طرف دیگر دولت در خلیج فارس و محرمه چند کشتی دارد و این ها بکلی بیکار افتاده مثلاً جهاز پرس پلیدس که از جهازات جنگی است و باشش هفت هزار تومان میشود آنرا تعمیر کرد و وزارت مالیه هنوز در این کار اقدامی نکرده و همینطور جهاز مظفری است که باز بحسب اطلاعات بنده ناچار پنج هزار تومان میشود آنرا تعمیر و مرمت کرد و همینطور جهاز آوی است که در محرمه بیکار مانده و باز جهاز پهلوی است که در محرمه بیکار افتاده و تمام این کشتی ها قابل تعقیب قاجاق هستند ولی بواسطه بیکار

افتادن برور ازین میروند و دیگر بدرد گرفتن قاجاق هم نخواهند خورد. بنده خیلی حسن نظر ندارم باین سؤال و جوابها و بین نطق های قبل از دستور که ما يك صحبت هائی بکنیم و وزیرنخامها يك جوابهائی بدهند ولی ترتیب اثری ندهند.

ولی مکرر به بنده از بندر عباس و بندر انگه و بوشهر حتی از بحرین نوشته اند که شما چرا این مطالب را در مجلس صحبت نمیکنید آن بیچاره ها خیال میکنند که اگر ما يك مذاکرانی در مجلس بکنیم واقعاً دولت يك اقداماتی میکند و يك جنبش هائی تولید میشود و حقیقهً يك کارهائی که بدرد مردم بخورد صورت میدهد!

حالا موضوع سؤال بنده این است که برای جلوگیری از قاجاق چه اقداماتی کرده اند؟ چرا این جهازاتی که همینطور بیکار افتاده و با مبلغی ممکن است تعمیر کرد بکار نمی اندازند و بین وسایله جلوگیری از قاجاق نمیکنند و اخیراً شنیده ام در دشتی و دشتستان بعنوان جلوگیری از قاجاق سلب آسایش از مردم کرده اند یعنی بطور کلی آزادی مسکن را از مردم دشتی و دشتستان سلب کرده اند و منازل آنها را تفتیش میکنند دولت مأمور اجرای قانون است فرضاً که مردم قاجاق بکنند دولت حق ندارد برود در خانه های مردم و بگوید فلان قندرا از کجا خریده بنده خواستم از آقای وزیر مالیه خواهش کنم که جواب این سؤال را از روی حقیقت بفرمایند تارفع این بدبختی از مردم بشود

وزیر مالیه - البته تصدیق میفرمائید برای اینکه جواب يك سؤالی داده شود باید مسائل مربوطه بآن مطلب را هم عرض کرد و البته احتراز از آن مسائل هم قدری مشکل خواهد بود بنابر این اظهار آن مسائل نباید تعبیر بر آن شود که يك فورمولهائی است. مسئله قاجاق همان طوریکه میفرمائید یکی از مسائل خیلی مهم است و اهمیت این مسئله بیشتر بواسطه این است که متناسب بسط اقتدار و نفوذ دولت در تمام سواحل و نقاط مملکت قاجاق کم

و زیاد میشود خوب است تمام سواحل خلیج را در نظر بیاورید و نیز در نظر بیاورید که تا چهار پنج سال قبل از این بلکه تا سه سال قبل از این يك نفاطی از مملکت مثل خوزستان و بلوچستان یا گوانز اصلاً دولت مرکزی و ادارات هیچ قسم وسیله تحقیقی در آنجا ها نداشتند ناچه رسد باینکه جلو قاجاق را بگیرند بواسطه بسط اقتدار نظام و قشون البته يك وسائلی مهیا شده و از آن وسائل وزارت نخامها و دوائر دولتی باید استفاده کنند و کارهای خودشان را باید منظم کنند این کار وقت لازم دارد ملاحظه بفرمائید به بینید آیا در تمام سواحل طولانی خلیج ممکن است يك مرتبه مسئله قاجاق را جلو گیری کرد؟ اینها يك چیز هائی است که باید برور زمان جلوگیری کرد مخصوصاً در اینجا بنده يك اطلاع خیلی صحیحی دارم که عرض میکنم و خود آقا ممکن است از روی این قضایات نمایند بعد از تصفیه امور خوزستان از اینجا بکشف مأمور مخصوص تعیین یکی از مفتشین بلژیکی که را دولت مأمور تفتیش قاجاق آن حدود کرد و در نتیجه تحقیقات و عملیات که کرده اخیراً اطلاع داده است که در خوزستان امروزه هیچ وجه دیگر قاجاق نیست در صورتیکه در سواحل فارس و کرمان اینطور نیست و همانطوریکه آقای دشتی اظهار کردند دولت موفقیت کامل در جلوگیری قاجاق حاصل نکرده است ولی عملیاتی برای رسیدن باین مقصود شده و میشود و همانطور که عرض کردم بامدت و مرور زمان باید نتیجه مطلوبه را حاصل نمود يك مسئله دیگری برای روشن کردن ذهن آقایان لازم است عرض کنم که خیلی مفید است و آن این است که عوائد انحصار امسال را که حساب کرده ام خیلی بیشتر از پارسال است که چه این مربوط بعامل دیگری هم هست ولی دلیل عمده این مسئله همان کم شدن قاجاق است و مخصوصاً در قسمت خوزستان همانطوریکه عرض کردم تقریباً از بین رفته و لازم است

عرض کنم که برای جلوگیری از قاجاق وسائل درستی هم لازم است و همانطوریکه اشاره کرده ددوازدهم کشتی های کوچک مالیه تهیه کرده است ولی معیناً نتیجه مطلوبه بدست نمی آید. اما راجع به کشتی های موجوده که فرمودند وزارت مالیه و گمرک مدتی است که ارکان حرب مشغول مطالعه و مذاکره هستند و موافقت کامل حاصل شده و ارکان حرب مضایقه ندارد که این کشتیها را با اختیار اداره گمرک بگذارد و تعمیر کنند برای جلوگیری قاجاق ولی در ضمن مذاکره شاید غلبت تردید و معسجه هم این بوده است بواسطه اطلاعاتی که از محل حاصل شده که این کشتیها فرضاً يك مخارجی برای تعمیر تیش بشود بزرگفی و وافی بمقصد نخواهد بود و الان بین گمرک و وزارت مالیه و اداره ارکان حرب مسئله تحت مضاعف است که آیا صلاح در این است که این کشتیها را مبالغ زیادی خرجش کنند و تعمیر کنند (چون این کشتیها تعمیر زیاد میخواهد و بواسطه اینکه از سیستم قدیم است اجزاء زیاد و ذغال زیاد می برد و خرجش زیاد خواهد بود) یا اینکه بهتر این خواهد بود که در نا نخت البحری جدید کوچک که دارای تریپل و توپ هم باشد برای این کار بخرند و آن وقت این کشتی ها را بیک ترتیبات دیگری بفروشند الان چنانچه عرض شد این قضیه تحت مطالعه است و بالاخره یکی از این دو تصمیم اتخاذ خواهد شد. و وسائل بحری برای جلوگیری از قاجاق موجود خواهد شد و یکی از اطلاعات دیگری که شاید مفید باشد و تا اندازه نگرانی را رفع میکنند این است که این قسمت قاجاقی که در سواحل کرمان و فارس میشود بیشتر بمصرف همان دهات و حدود سرحدی میرسد. در هر حال وسائلی اتخاذ شده و عنقریب نتیجه اقدام بعرض آقایان خواهد رسید و اطمینان حاصل است که موضوع قاجاق و کار قاجاق چی بر طرف شود. و چنانچه عرض کردم قاجاقی که میشود بمراتر عمده ابالات و ولایات نمیرود و در

را با دو کشتی نفتیش می کنند بعلاوه این کشتی ها هم که در محره است از سیستم جدید است مخصوصاً کشتی بهلوی . الان در آنجا يك کشتی بزرگ و دوتا كوچك هست و برای نفتیش متناسب است . بنده يك نکته ديگري می خواستم عرض کنم و آن این بود که خود مأمورین جزء کمرك بیشتر با قاچاقچی ها همراهی میکنند و از آنها باید جلو گیری کرد .

وزیر مالیه - وقتی که بنده این عرض را کردم بطور کلی عرض کردم و نخواستم کسی را استثناء کنم ممکن است خود مأمورین هم یعنی مأمورین جزء که با يك حقوق دوازده تومان و پانزده تومانی در آنجا هستند در کار قاچاق دخالت کنند و در هر حال اين يك کار مشکلی است و باید وسائل کار را طوری فراهم کرد که هیچکس حتی مأمورین جزء کمرك هم هیچوقت نتوانند از حدود خودشان تجاوز کنند .

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است - جلسه آنيه فردا چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم هرطور که معین میفرمائید .

وزیر مالیه - راجع بدستور جلسه آنيه خواستم تقاضا کنم که لایحه اعتبار مخارج راه آهن که از کمیسیون بودجه گذشته در مجلس مطرح شود چون مدنی است مقدمات کار راه آهن تمام شده و تا این لایحه نگذرد بالاخره کار راه آهن صورت نخواهد گرفت از این جهت استدعا دارم فردا جزو دستور شود .

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - جزو دستور فردا میشود .

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

همان نقاط سرحدی صرف میشود ولی تصدیق میفرمائید که یکی از بهترین وسائل جلو گیری قاچاق این است که قاچاقچی تنبیه و سزااست شود . وقتیکه قاچاقچی تنبیه و مجازات شد این از نقطه نظر رعب دیگران اثرش از هر چیز بیشتر است و برای این مطلب هم البته بایستی تمام ادارات دولتی و مأمورین مخصوصاً مأمورین وزارت داخله و مأمورین جزء که در نقاط كوچك هستند همه خودشان را حقیقهً باید با مأمورین کمرك شریك بدانند که این کار بشود . آقا . خودتان مطلع هستید که هنوز در این نقاط دور دست مخصوصاً يك نفوذ های محلی حکمفرما است و هنوز آنطوری که باید رفع این نفوذ محلی نشده و این باغی ها و اشرارها که بعنوان خان محل و بعنوان رئیس ایل و قبیله ساها منبع این شرارها بوده اند هنوز تمامشان آنطوری که باید قلع و قمع بشوند نشده اند . و بیشتر مفسد از آنها است و البته همانطوری که تا حالا عمل شده است این اقدامات رادوات تعقیب میکنند و آنها که اصلاح و رفع شدند کاره مأمورین مالیه هم سهلتر میشود و مخصوصاً مذاکره بین وزارت داخله و مالیه راجع بهمین قسمت قاچاق و مأمورین جزء که در نقاط سرحدی هستند فعلاً موجود و در جریان است وقتی هم که تمام شد ممکن است نتیجه اش را بعرض مجلس برسانم یا بطور خصوصی بعرض آقا برسانم .

دشتی - عرض کنم اینکه فرمودند نفتیش این - واحل کار مشکلی است بنده عقیده ام این است که نفتیش خلیج کار آسانی است . دولت انگلیس تمام خلیج